

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

از تبار محدثان

زندگی نامه شیخ عباس قمی

مریم السادات باقری شبستری



بسم الله الرحمن الرحيم

از تبار محدثان: ویژه زندگی شیخ عباس قمی (ره)

نویسنده:

مریم السادات باقری شبستری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

از تبار محدثان: ویژه زندگی شیخ عباس قمی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه : باقری شبستری، مریم السادات

عنوان و نام پدیدآور : از تبار محدثان: ویژه زندگی شیخ عباس قمی (ره)/مریم السادات باقری شبستری.

مشخصات نشر : قمتهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : [۲،۶۱] ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۸۰۱.

شابک : ۴۵۰۰ ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۳۳-۱:

یادداشت : کتابنامه: ص. [۶۱]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹ -- سرگذشتنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳/ق۸ب۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۸۷۴۶

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

تربیت یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام در حوزه های علمیه، با پیروی از روش و منش اولیای الهی از تیرگی های شرک و نادانی رهایی یافته و همواره به سان ستارگانی فروزان آسمان بشریت را نورافشانی کرده اند.

محدث بزرگ حاج شیخ عباس قمی رحمه الله در زمره این فرزانگان است که با تلاشی خستگی ناپذیر و اخلاصی کم نظیر، عمر با برکت خود را صرف فراگیری علوم اهل بیت و نگارش کتاب های گران سنگ نمود. مفاتیح الجنانش آشنای هر مسجد و محراب و زینت هر خانه ای است و به هنگام دعا و مناجات در دستان دل سوختگان روشنی افزاست. زهد، اخلاص، فروتنی و پشتکار و سخت کوشی، از وی شخصیتی هدایت گر ساخت که امروزه ده ها اثر گران سنگ او، ره توشه راهیان اخلاص و عمل است.

گرچه نام او با مفاتیح الجنانش برای همگان آشناست، ولی به راستی مردم با ویژگی های اخلاقی اش کمتر آشنایی دارند.

ازاین رو، شایسته است برنامه سازان دلسوز رسانه ملی با تهیه برنامه های مناسب درباره شخصیت وی در گسترش فرهنگ اهل بیت و معرفی الگوهای شایسته هم چون شیخ عباس قمی خدمت شایسته ای ارایه دهند. با سپاس از

تلاش های سرکار خانم مریم السادات شبستری که در تـدوین این اثر ما را یاری کرده اند، موفقیت برنامه سازان محترم را در کاربست آن در برنامه های صدا و سیما آرزومندیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

کمال مطلق انسان، این موجود برگزیده الهی، در این است که مظهر اسمای حسنای خداوندی باشد و یکی از این اسماء، عالمیت حضرت حق تعالی است. اگر انسان بخواهد متّصف به این صفت نیکوی الهی شود، باید در مسیر کسب علم و دانش گام بردارد.

بی گمان حیات برتر انسان ها در گرو اندیشه، دانش، ایمان، عمل مخلصانه و اخلاق الهی است. آن هایی که با سیر و سلوک به مقامات عالیه دست یافته اند و هم چون شمعی سوخته اند تا به حیات بشری روشنایی بخشند، حق عظیمی بر بشریت دارند. این ها راهنمای هدایت طریق مستقیم و خود، صراط مستقیم الهی اند.

این نوشتار، گامی هرچند کوتاه، برای معرفی یکی از فرزانگان برجسته شیعه، یعنی شیخ عباس قمی رحمه الله است و به بیان سیره عملی، مکارم اخلاقی، فضایل انسانی و همت عالی و تحمل مشقات این بزرگ مرد در راه علم آموزی پرداخته است.

بزرگ مردی که در زمینه های علمی و عملی، گوی سبقت را از دیگران ربوده و به صف «السابقون السابقون» راه یافته و مصداق روشن این آیت قرآنی گردیده است:

«انّما یخشی الله من عباده العلماء؛ تنها عالمان ربانی اند که به حقیقت از خدا می ترسند».

فصل اول: زندگی نامه

اشاره

فصل اول: زندگی نامه

زیر فصل ها

تولد

کودکی و نوجوانی

خاندان

ازدواج

فرزندان

تولد

تولد

در سال ۱۲۹۴ ه . ق(۱)، شهر مقدس قم شاهد تولّد کودکی با باور اسلامی و شیعی بود؛ انسانی که از دامان پاک پدر و مادری مؤمن و دین باور برای دمیدن روح خدایی در کالبد جامعه، به عرصه گیتی گام نهاد.

در این زمان، اوضاع ایران از هر لحاظ آشفته بود و ناصرالدین شاه بر ایران فرمانروایی می کرد. تا پیش از دوره ناصرالدین شاه، میدان خوش گذرانی شاهان پیشین محدود به ایران و اطراف ایران بود، ولی از این دوره به بعد، سفر به اروپا تفریح تازه ای برای شاهان قاجار شد؛ تفریحی که هزینه آن برای مردم ایران کمرشکن بود و وضع زندگی مردم رابیش از گذشته آشفته و نابسامان می کرد. از سوی دیگر، در همین سال ها افرادی مانند سیدجمال الدین اسد آبادی برای بیداری مردم مشرق زمین از خواب غفلت می کوشیدند. در این اوضاع و احوال که کم کم زمینه انقلاب مشروطیت در ایران فراهم می شد، در محله حرم شهر قم و در منزل مردی پارسا به نام محمدرضا کودکی دیده به جهان گشود. او را «عباس» نام نهادند ؛ به امید آن که در میدان علم و تقوا گام نهد و هم چون حضرت عباس علیه السلام دلیر و شجاع و خدمتگزاری پرتلاش برای

۱- م. جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، قم، انتشارات معارف اسلامی، ص ۳۷۴، ۱۳۶۲.

اسلام باشد. عباس در کودکی با واژه های قرآنی آشنا می شد و با صوت دلنشین و زمزمه قرآن به خواب می رفت. صدای تلاوت قرآن، فضای زندگی او را نورانی و معطر کرده بود. خانه پدر بیشتر یک مکتب بود تا یک منزل مسکونی.(۱)

کودکی و نوجوانی

کودکی و نوجوانی

دوران کودکی و نوجوانی شیخ عباس قمی در زادگاهش، شهر قم، سپری شد. از همان دوران کودکی آثار نبوغ در چهره اش نمایان بود. هر چند کودک بود، روحی بزرگ داشت. در جمع دوستانش حاضر می شد و برای آن ها داستان می گفت؛ داستان راستی و درستی، داستان جوان مردی؛ گویی معلّم دلسوز و مهربانی بود که نغمه عشق و معرفت و تربیت را در گوش کودکان زمزمه می کرد و با سخنان شیرین و دلنشین کودکان را مجذوب می کرد.

خاندان

خاندان

پدر حاج شیخ عباس، مردی صالح بود که به خوبی و نیک نامی معروف بود. مردم او را مردی با تقوا، پرهیزکار و آشنا به مسایل دینی می شناختند و برای یادگیری احکام دین به نزد وی می رفتند. کربلایی محمدرضا (پدر شیخ عباس) کاسب بود و مغازه داشت(۲) و با این حال، اهتمام زیادی به درس خواندن فرزندش، داشت و آرزویش این بود که روزی فرزندش از مبلّغان دین شود و واعظی مفید برای مردم باشد.

۱- خلیل عبدالله زاده، محدث قمی؛ حدیث اخلاص، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز۱۳۷۲، ص ۱۵.

۲- علی دوانی، مفاخر اسلام، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۰.

نام مادرش زینب بود. آقای محدثی درباره مادر شیخ عباس می گوید: «مادرشان هم از زنان نمونه بود. یادم هست یک بار با آن مرحومه سر سفره بودم. یک دستم را روی نان گذاشتم و با دست دیگر تکّه ای را از آن جدا کردم. ایشان فرمودند: این کار جسارت است که دست روی نان بگذاری. نان را دو دستی بلند کن و یک تکّه از آن را جدا کن. ایشان به این ریزه کاری ها توجه داشت».(۱)

خود شیخ عباس قمی نیز می فرمود: «من هر موفقیتی که دارم از برکت مادرم است؛ زیرا ایشان سعی داشت همیشه مرا با طهارت شیر دهد و از زنان متدیّنه بود».(۲) مقید بودن به نماز اول وقت از امتیازهای دیگر این بانو بود. حتی اگر میهمان هم داشت، باید اول نماز می خواند و بعد پذیرایی می کرد. ایشان در قم فوت کرد و در قبرستان «شیخان» که محل دفن علما و بزرگان است، به خاک سپرده شد.(۳)

آقای محدثی درباره خواهران و برادران شیخ عباس قمی می گوید: «حاج شیخ مرتضی»، یکی از برادران حاج شیخ عباس و کاسب بود. البته تا حدودی هم درس خوانده و اهل عبادت و زیارت و دعا بوده و حالات معنوی خوبی داشته است».

۱- علی دوانی، مفاخر اسلام، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۰.

۲- علی دوانی، مفاخر اسلام، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۰.

۳- علی دوانی، مفاخر اسلام، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۰.

برادر دیگر حاج شیخ عباس، «حاج محمد» نیز از کسبه قم بود. مرحوم حاج شیخ عباس، خواهری هم به نام فاطمه داشت که از بانوان صالحه، عابده و اهل تهجد بود.

ازدواج

ازدواج

محدث قمی نخستین بار در شهر قم ازدواج کرد، ولی همسر او بنای ناسازگاری گذاشت و سرانجام از او جدا شد. شیخ عباس پس از این جدایی از قم به قصد زیارت امام رضا علیه السلام راهی مشهد شد و در آن جا اقامت کرد و پس از مدتی با برادرزاده آیت الله قمی ازدواج کرد. نام ایشان بی بی سکینه بود و مانند افراد خاندانش شخصیت والای دینی داشت. این بانو، مادر فرزندان محدث قمی و بانویی بزرگوار بود و سرانجام نیز در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان قم، در جوار پدر و جدّش به خاک سپرده شد.

فرزندان

فرزندان

شیخ عباس از همسر اول خود فرزندی نداشت. فرزندان او از همسر دومش، دختر مرحوم حاج آقا احمد طباطبایی، دو پسر و دو دختر است. فرزند ارشد، مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده و فرزند دوم، حاج میرزا محسن محدث زاده بودند. هر دو پسر محدث قمی، روحانی و در ادب و اخلاق نیکو، آیینه تمام نمای پدر بزرگوارشان بوده اند. محدث قمی دو دختر نیز داشت. دختر اول، فاطمه، همسر واعظ دانشمند، حاج آقا مصطفی طباطبایی قمی بود. دختر دوم او نجمه نام داشت که همسر حاج سیدحسن ماهوتچی قمی بود.

فصل دوم: حیات علمی

اشاره

فصل دوم: حیات علمی

در باب شخصیت علمی شیخ عباس قمی می توان گفت، ایشان محدثی پژوهشگر، مورخی بزرگ، نویسنده ای پرکار، استاد و صاحب نظر در حدیث و تاریخ، دانشمندی ادیب و امین، واعظی توانا و انسانی نمونه از علمای پاک سرشت بوده است.

بیشتر نویسندگان، آثار خود را در یک علم و فن و یا چند رشته از علوم و فنون نوشته اند، ولی محدث قمی در رشته های زیادی مطلب نوشته است. از هر گلزاری گل ها چیده و از هر خرمنی خوشه ها برداشته و با آن ها مشام جان خوانندگان کتاب های خود را عطرآگین کرده است.

تحصیلات

تحصیلات

محدث قمی در آغاز جوانی تحصیل را آغاز کرد و در همان شهر قم علوم مقدماتی حوزه های علمیه؛ یعنی صرف و نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع و سطح (فقه و اصول) را فرا گرفت. او به حق یک طلبه نمونه بود. شیخ عباس در راه تحصیل رنج ها برد. خود او نقل کرده است:

«یک قران و دو قران جمع می کردم تا مبلغی شود، سپس آن را برداشته، پیاده از قم به تهران می رفتم و کتابی خریداری می کردم، آن گاه به قم بازگشته تا به تحصیل ادامه دهم».(۱)

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۵.

آقا شیخ عباس در شهر مقدس قم تا سن ۲۲ سالگی، علوم مقدماتی و سطوح بالا را نزد استادانی برجسته فراگرفت. شیخ عباس، در مدت تحصیل همواره می کوشید به فضایل دیگر نیز آراسته باشد. به همین دلیل، نزد آقا شیخ محمد حسینی نامی، استاد خط، خط نسخ و نستعلیق را آموخت و به این هنر هم آراسته شد؛ به گونه ای که از نوجوانی خوش خط بود و می شد عین نوشته اش را چاپ کرد. او مردی خودساخته و متّکی به خود و متعهد به امداد الهی بود و خلوص خاصی داشت وامیدوار بود که ائمّه معصومین علیهم السلام ترقیّات او را از خداوند بخواهند.

عزیمت به نجف اشرف

عزیمت به نجف اشرف

شیخ عباس قمی در سال ۱۳۱۶، در سن ۲۲ سالگی، برای تکمیل درس خود رهسپار نجف اشرف شد و در حلقه طلاب دروس علمای اسلام و مدرّسان آن حوزه علمی درآمد. یکی از این استادان، علاّمه بزرگوار، مرحوم حاج میرزا حسین نوری، نویسنده کتاب مستدرک الوسایل بود. شیخ عباس در آغاز حضور در نجف اشرف، ملازمت محضر پرفیض آن عالم ربّانی را که تجسم علم، تقوا و فضیلت بود برگزید. محدث قمی، تحت تاثیر ملکات فاضله، صفات برجسته، علم سرشار و فضل بسیار استادش قرار گرفت و با شایستگی ذاتی و آمادگی که خود داشت، به مقامات چشم گیری از علم و عمل رسید. او همه جا سایه وار به دنبال استاد بزرگوارش بود. آن دو در نجف، کوفه و کربلا، همه جا با هم بودند.

محدث قمی، در هنگام سکونت در نجف، مانند زمانی که در قم بود، برای تهیه کتاب بسیار در تنگنا بود؛ به گونه ای که خود گفته است که دلش می خواست کسی باشد که برایش کار کند و از کتابخانه اش استفاده کند، ولی

همین که به استادش مرحوم حاج میرزا حسین نوری پیوست، این مشکل حل شد.

محدث قمی در مدّت سه سال اقامت در نجف اشرف، در کنار درس و بحث، به تألیف نیز مشغول بود. در همین زمان بود که کتاب حلیه المتقین علامه مجلسی را خلاصه نویسی کرد و نامش را مختصر الابواب گذاشت. هم چنین کتاب اقبال سیدبن طاووس را تصحیح کرد. در سال ۱۳۱۸ پس از سه سال اقامت در نجف اشرف، برای نخستین بار به سفر حج رفت. پس از بازگشت از سفر حج، به قم بازگشت و پس از سه ماه دوباره رهسپار نجف اشرف گردید و به خدمت استادش علّامه نوری رسید. در آن جا، در کنار استنساخ کتاب بزرگ مستدرک الوسایل علامه نوری، کتاب تحیّه الزائر را که بعد از وفاتش ناتمام مانده بود، تکمیل کرد و آن را تتمیم تحیه الزائر نامید. همین طور کتاب فیض القدیر را در همان سال، در نجف نوشت. نقل می کنند زمانی که شیخ عباس در نجف بود، در اتاق بسیار کوچک و تاریک و زیر پله های طبقه بالا قبل از ورود به داخل صحن مدرسه، سکونت داشت و در همان جای تنگ و تاریک عروه الوثقی را ترجمه می کرد.(۱) باری، محدث قمی پس از فوت استادش، محدث نوری، یک سال و نیم دیگر در نجف اشرف ماند و از فیوضات اقامت در آن سرزمین مقدس بهره ها گرفت. از آن جا که فقدان استادش، محدث نوری، که برایش هم چون پدری مهربان بود، سخت او را می آزرد، آهنگ بازگشت به وطن کرد

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۵۱.

و کتاب ها و لوازم زندگی اش را نزد دوست دیرینش، شیخ آقا بزرگ تهرانی به امانت سپرد.

بازگشت به قم

بازگشت به قم

محدث قمی در سال ۱۳۲۲ رهسپار وطن شد.(۱) با ورود به قم، بار دیگر به نوشتن روی آورد و به درس و بحث بعضی از علما، به ویژه مرحوم حاج میرزا محمد ارباب قمی، می رفت و از کتاب خانه او بهره می گرفت. شیخ عباس ده سال در قم اقامت داشت. در این مدت، چندبار به زیارت عتبات عالیات و یک بار هم به سفر حج رفت که این حج دوم او بود.

حوزه علمیه مشهد

حوزه علمیه مشهد

محدث قمی در سال ۱۳۳۲ راهی مشهد گردید و در آن جا ماندگار شد. در آن زمان مشهد، مهد علم و دانش بود. آیات عظام، فضلا و مدرّسان عالی مقام و بسیاری از اهل علم در مشهد جمع بودند. حوزه علمیه مشهد مقدس در این زمان با نجف اشرف رقابت می کرد.

استادان

استادان

حاج آقا احمد طباطبایی قمی: این بزرگوار از استادان سال های آغازین تحصیل او در قم بود. او در زمان خود از علمای بزرگ قم به شمار می آمد؛ به گونه ای که دیگر علما، پیش از اقدام به هر کاری از ایشان کسب تکلیف می کرده و رهنمود می گرفته اند.(۲)

آیت الله ارباب قمی: شیخ عباس، دروس مقدماتی را نزد استادانی بزرگ

۱- علی دوانی، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، تهران، درالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۲.

۲- علی دوانی، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، تهران، درالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۴.

فراگرفت. او از خرمن دانش این بزرگـان خوشه ها چیـد، ولی بیشترین بهره را از محضـر عالم آگاه، آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی برد. آیت الله ارباب، در فقاهت و اجتهاد، مقامی بسیار بلنـد و رتبه ای ارجمنـد داشت. مجلس درس ایشان پیوسـته برقرار بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور، قلبی قوی داشت. علما در محضـر ایشان خود را خُرد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می بردند.(۱)

حاج میرزا حسـین نوری: شیخ عباس در طول اقامتش در نجف اشرف، بیشترین اسـتفاده را از اندوخته های سـرشار علمی این بزرگوار در علوم و فنون گوناگون برد. شیخ عباس در فوائد الرضویه می گوید: «آن بزرگوار خوش مجلس بود. عبادت سخت و زهد بسیار داشت؛ جامع هر شرافت و خصلت و فضیلت برجسته بود؛ از هر علمی شیره حقیقت آن را کشیده بود. بهترین فنّ او در علم حدیث و اطلاع از دقایق آیات و نکات اخبار بود.

آیـت الله سـید حسـن صـدر کـاظمی: ایشـان مقیـم کـاظمین و از فقهـا، مجتهـدان و نویسـندگان بزرگ بـود. محـدث قمی در سفرهایش به عتبات عالیات از محضر این بزرگوار استفاده های بسیار کرد.

شیخ الشریعه اصـفهانی: حاج شـیخ عباس قمی در فواید الرضویه از ایشان این گونه یاد می کند: شـیخ الشـریعه، عالم فاضل و کـاملی بود که در نجف اشـرف، اسـتاد علمای زمان ما و مرجع فضـلای عصـر بود. هم چنین دانشـمندی خوش گفتار و خوش معاشرت بود؛ اهل علم از محضرش استفاده بسیاری

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۲۸.

کردند.

از استادان دیگر شیخ، می توان به سید ابوالحسن تقوا، آقا شیخ ابوالقاسم قمی، شیخ محمد حسین قمی، میرزا محمد تقی شیرازی و آیت الله سید محمد کاظم یزدی اشاره کرد.

آثار علمی

آثار علمی

محدث قمی، از تبار عالمان بلند اندیش، پرکار و با اخلاص و از نیروهای پیروز جهاد فرهنگی است. حجم زیاد آثار، دقت فراوان در نوشته ها، تنوع و گوناگونی قلمرو قلم و ابتکار و ذوق در نام گذاری زیبا، بیانگر آن است که او قلم را ابزاری در خدمت دین و هدایت مردم می دانست. او مرکب قلم را در پای درخت «من» نمی ریخت، بلکه قلم را ابزار نورآفرینی و روشنگری می دانست. او در زمینه های مختلف تاریخ، رجال، تراجم، علوم قرآنی، اخلاق، عقاید و... می نوشت، ولی بیش از همه، در علم حدیث و تاریخ رجال درخشید. تا آن جا که عالمان بزرگ، وی را «محدث قمی» و «خاتم المحدثین» نامیدند. او در آثار بسیاری که به فارسی و عربی، در علوم و فنون گوناگون نوشت، بارها تاکید کرده که قدر تألیفاتش را بدانند و آن ها را به دقت استنساخ و چاپ و منتشر کنند. وی اصرار می کند که هر گاه خواستندمطلبی از کتاب های وی نقل کنند، نام کتاب و مؤلف را ذکر کنند؛ زیرا در غیر این صورت سرقت افکار است که به مراتب از سرقت مال پست تر است.

با گذری بر تألیفات محدث قمی، آثار این دانشور پرتلاش در زمینه های مختلف اخلاق، دعا، تاریخ و... به بیش از ۶۰ جلد می رسد. فرزند بزرگ ایشان، مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده می گوید: «تألیفات پدرم به ۶۳جلد می رسد».

آقای محمـد کاظم شانه چی، در مقـدمه کتاب انوارالبهیّه فی تاریخ الحجج الالهیّه این مطلب را تایید کرده و کتاب های شـیخ عباس را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. کتاب هایی که در زمان حیات خود ایشان به چاپ رسیده است.

۲. کتاب هایی که در زمان حیاتش به اتمام رسیده، ولی چاپ نشده است.

۳. کتاب هایی که ناتمام مانده است.(۱)

از میـان آثـار ایشـان می توان مفاتیـح الجنـان، نفس المهموم، منتهی الآمـال و تتمه المنتهی را مشـهورترین کتـاب هـای ایشـان دانست. در این جا، آثار محدث قمی را در سه بخش می آوریم:

بخش اول:

این بخش دربردارنده کتاب هایی است که در زمان حیات محدّث قمی به چاپ رسیده است.

۱. فوائـد الرجبیّه: این کتـاب نخستین نوشـته ایشـان به خـط خود و به زبان عربی است که به فارسـی هم ترجمه شـده است. این کتاب مطالبی در مورد وقایع روزها و آداب مستحبی و اعمال ماه های قمری را در بر می گیرد.

۲. الدّره الیتیمه فی تتمّات الدّره الثمینه: این اثر، شرح فارسی نصاب الصّبیان و تکمیل کننده شرح نصاب فاضل یزدی است.

۳. هدیه الزائرین و بهجه النّاظرین: درباره زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ثواب آن است. هم چنین در تعیین قبور علما و مؤمنان مشهور و مدفون در کنار مشاهد مشرّفه امامان است که به فارسی نگاشته شده است.

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص۶۵ . نقل از خاتمه نفس المهموم، به قلم آقای شعرانی.

۴. اللّئالی المنثوره: گزیده ای درباره دعا و دیگر مستحبات است.

۵. الفصول العلّیه فی المناقب المرتضویّه: نویسنده در این کتاب شریف، مناقب و مکارم اخلاقی حضرت علی علیه السلام را گردآوری کرده است. وی بسیاری از آن ها را از کتاب های اهل سنت نقل کرده است.

۶ . حکمه بالغه ومأه کلمه جامعه: این کتاب شامل سخنان کوتاه حضرت علی علیه السلام در عقاید و اصول دین است که به فارسی نوشته شده است.

۷. سبیل الرّشاد

۸ . ذخیره الأبرار فی منتخب أنیس التّجار: خلاصه ای از أنیس التّجار مُلا مهدی نراقی است که به زبان فارسی نوشته شده و درباره معاملات است.

۹. غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی: ترجمه فارسی العروه الوثقی آیت الله سیّد محمد کاظم یزدی است که درباره احکام فقهی نگاشته شده است.

۱۰. مفاتیح الجنان و الباقیات الصّالحات: این کتاب، مشهورترین و رایج ترین تألیف مرحوم محدث قمی است. کمتر شیعه با ایمانی یافت می شود که این کتاب را در خانه نداشته باشد. محدث قمی این کتاب را در شهر مقدس مشهد در جوار بارگاه پر نور حضرت امام رضا علیه السلام، هشتمین پیشوای معصوم، به سال ۱۳۴۴ ه . ق نوشته است. محدث بزرگوار در مقدمه کوتاه، انگیزه خود را از تألیف این کتاب چنین اظهار می کند: «در آن زمان ها کتاب دعایی به نام مفتاح الجنان در دسترس مردم بوده و اهل علم بر بعضی از دعاهای آن که فاقد سند بوده ایراد می گرفته اند. از این رو، بعضی برادران دینی از این جانب می خواهند آن کتاب را بررسی و نظر محقّقانه خود را اظهار کنم». به همین دلیل، محدث قمی در پی تألیف کتاب جامع و مستند برمی آید و نام آن را مفاتیح الجنان

می گذارد. بنابراین، آنچه او در مفاتیح آورده، گزیده مطالبی است که در کتب ادعیه قبلی خود داشته است؛ با اضافات و نوآوری هایی که در کُتب قبلی نبوده است. کتاب هایی که حاج شیخ عباس تا آن زمان، درباره دعا و زیارت اماکن مقدسه، نمازها و روزه های مستحبی، تعقیبات، اوراد و اذکار رسیده از پیغمبر و ائمه طاهرین علیهم السلام نوشته بود، عبارتند از: فوائد الرجبیه، هدیه الزائرین، مقالید النجاح، صحائف النوّر، لعالی منثوره، نفحه قدسیه، زیارات جامعه، زادالمعاد و... . در آن زمان، بیشتر این کتاب ها چاپ شده بود. بنابراین، محدث بزرگوار تا هنگام تألیف مفاتیح الجنان بیش از هر عالم دیگری در زمینه دعا و زیارات مطالعه و تحقیق کرده و قلم زده بود. آن مرحوم در دیباچه مفاتیح می نویسد: «این فقیر بی بضاعت و متمسّک به احادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام، عباس بن محمدرضا القمی که بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را مطالعه نمایم و آنچه از ادعیه آن سند دارد، ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده، ذکر ننمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره که در آن کتاب ذکر نشده؛ پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده و این کتاب را به همان ترتیب جمع آوردم و نامیدم آن را به مفاتیح الجنان».(۱)

مفاتیح الجنان برای نخستین بار در سال ۱۳۴۶ ه . ق (۱۳۰۶ه . ش) به چاپ رسید و برای دومین بار در سال ۱۳۵۱ه . ق به خط طاهر خوشنویس چاپ شد. در چاپ دوم، محدث قمی هشت مطلب بر مفاتیح افزود. چاپ

۱- مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۷۹.

سوم مفاتیح در رجب سال ۱۳۵۶ه . ق، صورت گرفت که بسیار مرغوب بود و انتشار آن در اوج سلطنت استبدادی و حکومت خودکامه رضا خان پهلوی، حلقه اتصالی برای پیوند شیعیان با دین و مسلمانی و عامل بسیار مؤثری برای توجه مردم به اعمال دینی و شعایر مذهبی بود و انقلابی در محافل دینی پدید آورد. البته در این چاپ مرغوب هم دو تصرّف بی مورد شده بود. در نهایت، چاپ ششم یا پنجم مفاتیح که به خط طاهر خوشنویس تبریزی است، جامع ترین و کامل ترین چاپ های آن است.

محتوای مفاتیح الجنان، ادعیه و زیارات و اعمال مستحبی معتبری است که حاج شیخ عباس قمی، آن نقاد بصیر، با دیدی وسیع و ترتیبی دل پذیر و بسیار عالی به پشتوانه علم و دانش خود از کتاب های ادعیه مورد اعتماد نقل کرده است. این کتاب در سه باب مرتب شده است: باب اول، در تعقیب نمازها و دعاهای ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعضی ادعیه مشهور و مناجات خمس عشره و... باب دوم: در اعمال ماه های سال و فضیلت واعمال روز نوروز و اعمال ماه های رومی و باب سوم، در زیارات است. البته هر کدام از این سه باب، مشتمل بر چند فصل است و هر فصل، چند مطلب دارد. در مجموع، مفاتیح الجنان، کتاب مشهوری است که به عربی نوشته و به فارسی هم ترجمه شده است.

۱۱. التّحفه الطوسیّه و النّفحه القدسیّه: نوشته مختصری است که درباره زیارت حضرت رضا علیه السلام و بعضی فوائد مربوط به آستان مقدّسش نگاشته شده است.

۱۲. رساله دستور العمل حضرت سیدالشهدا علیه السلام .

۱۳. نفس المهموم: این کتاب به عربی نوشته شده و به تصدیق اهل فنّ مقتلی

معتبر است. از تألیفات گران قدر و نفیسی است که به وقایع کربلاـ و مصائب اهل بیت در آن واقعه جانگداز می پردازد. محدث قمی در دیباچه کتاب چنین می نویسد: «من پیوسته درصدد بودم تا کتابی مختصر در مقتل سرورمان امام حسین علیه السلام گرد آورم و آنچه مورد اعتمادم هست و از ثقات به من رسیده و سندم از روایات روات به آن متصل می گردد، در سلک نظم کشم. پس، از خداوند توفیق خواستم و بر سبیل استعجال دست به کار شدم و مطالب آن را از کتب معتبره که به آن اعتماد دارم و مورد استنادم است، گرد آوردم».

محدث قمی در باب اول کتاب، در فصل اول به ترتیب مناقب امام حسین علیه السلام، شجاعت، علم، کرم و جود، فصاحت و زهد و تواضع و عبادت حضرت و در فصل دوم ثواب گریستن بر مصیبت امام مظلوم و ثواب لعنت کردن بر قاتلین وی و اخبار و احادیثی که درباره شهادت حضرت وارد شده است را در چهل حدیث آورده است. باب دوم که مفصل ترین ابواب کتاب است و بیست فصل دارد، آنچه را که بر امام حسین علیه السلام پس از بیعت کردن مردم با یزید بن معاویه تا شهادت آن حضرت گذشته است بیان می کند. باب سوم، به وقایع پس از شهادت حضرت سیدالشهدا و برادران و فرزندان و یارانش اختصاص دارد. در باب چهارم آنچه را که پس از شهادت حضرت آشکار شد، مانند گریستن آسمان و زمین و اهل آن ها، ناله فرشتگان در پیشگاه ذات مقدس الهی و گریستن جنّیان بر او و قسمتی از مراثی حضرت به زبان عربی را بیان می کند. باب پنجم کتاب درباره فرزندان و زنان امام حسین علیه السلام و فضیلت زیارت آن حضرت و ستم خلفا بر مرقد شریف آن امام مظلوم است. خاتمه کتاب هم درباره توّابین و قیام مختار برای خون خواهی حضرت است.

۱۴. نفثه المصدور: رساله ای است در تتمیم و تکمیل نفس المهموم که پیش از آن جداگانه چاپ شده بود و چندی پیش هم به ضمیمه نفس المهموم منتشر شده است.

۱۵. الأنوار البهیّه فی تاریخ الحجج الالهیّه: این کتاب به عربی است و در مورد ولادت و وفات چهارده معصوم علیهم السلام نگاشته شده است.

۱۶. رساله ای در گناهان کبیره و صغیره.

۱۷. منازل الآخره: کتاب نفیسی است که چندین بار چاپ شده و مراحل دشوار سفر آخرت را بر اساس روایات بررسی کرده و توشه لازم را یادآور شده است.

۱۸. ترجمه مصباح المتهجّد مرحوم شیخ طوسی؛ که در حاشیه چاپ اول متن عربی به چاپ رسیده است.

۱۹. نزهه النّواظر: ترجمه معدن الجواهر دانشور بزرگوار محمد بن علی کراچکی است که چندین بار چاپ شده است.

۲۰. مقامات علّیه: خلاصه معراج السّعاده مرحوم ملا احمد نراقی است.

۲۱. ترجمه جمال الأسبوع سیّدبن طاووس.

۲۲. الباقیات الصّالحات که در حاشیه مفاتیح الجنان چاپ شده است.

۲۳. منتهی الآمال فی تاریخ النّبی و الآل: این کتاب شرح زندگانی مفصل و تاریخ حیات درخشان ذوات مقدسه چهارده معصوم؛ یعنی پیغمبر خاتم، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و دختر بزرگوارش، بانوی بانوان جهان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و دوازده امام معصوم علیهم السلام است.

محدث بزرگوار، تمامی منابع تاریخی و حدیثی و رجالی و تفسیری و

تراجم و انساب را به دقت دیده و معتبرترین روایات، نقل ها و تحقیقات را آورده است. محدث قمی در نگارش این شرح حال ها، به همه موضوعات توجه کرده و حتی از شعر شاعران پارسی گوی و عرب زبان و علمای لغت و صرف و نحو و دانشمندان علم نسب و جغرافی دانان گواه آورده و از آن ها بهره گرفته است. این واقعیت به خوبی بیانگر آن است که محدث قمی عمری درباره تاریخ حیات پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام پژوهش کرده و مطالب لازم را با کمال دقّت و امانت آورده است. او در زمان حیات، ارادت و خدمت خالصانه خود را این گونه اظهار کرده و منتهای آمال خود و شیعیان خاندان نبوت را جامه عمل پوشانده است. هدف اصلی او، چنان که خود می گوید، احیای احادیث ائمه دین است.

محدث قمی در مقدمه این کتاب می نویسد: «چون به مقتضای اخبار بسیاری، ثابت شده است که از اعظم طاعات و اشرف قُربات احیای احادیث ائمّه دین و مقرّبان حضرت رب العالمین و گریستن بر بلایا و مصایب آن سادات مظلومین است، چنان که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از فضیل بن یسار پرسیدند که آیا شما شیعیان در مجالسی که بایکدیگر می نشینید حدیث ما را ذکر می کنید؟ گفت بلی، فدایت شوم. فرمود: من آن مجالس را دوست می دارم. زنده گردانید امر ما را ای فضیل. خدا رحمت کند کسی را که احادیث ما را ذکر کند و امر ما را و دین ما را زنده بدارد.

تألیف کتابی در ذکر ولادت و مصایب حضرت سیدالمرسلین و عترت طیبین آن جناب صلوات الله علیهم اجمعین و ذکر قلیلی از فضایل و مناقب و اخلاق آن بزرگواران تا مؤمنان به خواندن و شنیدن آن ثواب احیای احادیث

ایشان فائز گردند و به محزون بودن و گریستن بر مصائب عظیم ایشان به درجات مقرّبین رسند. پس از این، کتاب شریف را به منتهی الآمال فی تاریخ النبی و الآل نامیدم».

کتاب منتهی الآمال ده ها بار به صورت های مختلف چاپ شده است. بهترین چاپ آن، گردآوری به خط طاهر خوشنویس تبریزی است که به هر دو قطع رحلی و وزیری چاپ شده است. به پایان رسیدن این کتاب با ارزش مدت ها به درازا کشید، ولی به هرحال، تاریخ اتمام آن شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۰ ه . ق از شب های احیاء و لیالی قدر در مشهد مقدس بوده است.

۲۴. ترجمه مسلک دوم لهوف سیّدبن طاووس که به خطّ خود مؤلف در حاشیه یکی از چاپ های لهوف چاپ شده است.

۲۵. تتمیم تحیّه الزّائر محدث نوری که با فوت ایشان ناتمام مانده بود و شیخ عباس بعد از فوت استادش آن را به اتمام رساند.

۲۶. چهل حدیث که به فارسی نگاشته شده و بارها چاپ شده است.

۲۷. الکُنی والألقاب: درباره زندگانی علما و شعرا و دیگران است، که در سه جلد و بارها به چاپ رسیده است. این کتاب، یکی از کتاب های معتبر علم تراجم است که به فارسی ترجمه و چاپ شده است.

۲۸. هدیّه الأحباب فی المعروفین بالکنی و الألقاب: خلاصه ای از کتاب الکُنی و الالقاب است که علما و دانشمندان معروف و لقب و کنیه آنان به طور اختصار در آن جمع آوری شده است. این کتاب به زبان فارسی نگاشته و بارها در نجف و تهران چاپ شده است.

۲۹. فوایـد الرّضویّه فی احوال علماء المـذهب الجعفریّه: این کتاب در مشـهد مقدّس و در مدت اقامت حاج شـیخ عباس در آن جا به رشـته تحریر درآمده و از آثار بابرکت دوران اقامت محدث قمی در جوار بارگاه هشتمین امام شیعیان جهان است که در جای خود بهترین کتاب در شرح حال علما و بزرگان دین است و به زبان فارسی نوشته شده است.

۳۰. بیت الاحزان: اصل کتاب به عربی نوشـته شده و چند ترجمه فارسـی از آن چاپ شده است. این کتاب درباره مصیبت های دختر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زندگی و حوادث دوران حیات آن بانوی بزرگ است.

۳۱. تتمّه المنتهی: شـیخ عبـاس رحمه الله پس از نگـارش کتاب شـریف منتهی الآمال تصـمیم گرفت تا تتمه ای برای این کتاب تألیف کند. علت تألیف را در مقدمه کتاب چنین نوشته است که وقتی در نگارش منتهی الآمال می خواسته شرح حال حضرت امام حسن مجتبی علیه السـلام را بنویسـد، درصـدد بر می آید که درباره سادات بنی الحسن، یعنی جمعی از فرزندان و دودمان آن حضـرت که در میان آن ها گروهی از سادات انقلابی بوده اند و بر ضد نظام حاکم، یعنی خلفای بنی امیه و بنی عباس قیام کرده انـد، بررسـی کنـد. به همین دلیـل، بحث درباره سادات بنی الحسن را در کتابی مسـتقل به نام تتمه المنتهی فی وقایع ایام الخلفا گردآورد و آن ها را با نهایت استادی و مهارت در فنّ تاریخ نگاری و تراجم علما و رجال نامی شرح داد.

این کتـاب با آن که مختصـر است، مطالب بسـیار سودمنـد و حکایات بسـیار جـذّاب و داسـتان های دل پـذیر دارد. نکات مهم تاریخی و علمی، اخلاقی و ادبی و پند و اندرز در این کتاب بسیار زیاد است. نظر کلی مؤلف به کتب صحیفه

معتبره به ویژه کتاب های اهل سنت و جماعت، در نوشتن این کتاب مانند تاریخ طبری و... بوده است.

۳۲. تحفه الأحباب فی تراجم الأصحاب: درباره اصحاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمّه اطهار علیهم السلام است که به زبان فارسی نوشته شده و پس از درگذشت نویسنده در تهران چاپ شده است.

۳۳. سفینه البحار: این کتاب نه تنها فهرست بحارالانوار است، بلکه گاهی به مناسبت توضیح لغات، الفاظ و مواد احادیث بحار مطالب جالبی را هم که برگزیده مطالعات مؤلف در کتاب های حدیث، تاریخ، رجال، تراجم، جغرافی، انساب، شعر و ادب فارسی و عربی بوده، آورده است. در نتیجه این کتاب گنجینه ای از علوم، فنون، تاریخ و ادب عربی و فارسی است که هیچ دانشمندی اعم از فقیه، متکلّم، محدث، رجالی، مفسر، مورخ، عارف، فیلسوف، منطقی و... از آن بی نیاز نیست.

شیخ عباس قمی در مقدمه کتاب خود می نویسد: «چون دیدم اخبار متعلق به هر مقصدی یا مطلبی را که طالبان می خواهند، در مجلات و ابواب متفرّق آن پراکنده است، به طوری که کسی نمی تواند به آن احاطه پیدا کند، مگر پس از تتبّع زیاد و کاوش سخت، لذا پس از استمداد از تایید خداوندی و لطف او و یاری خواستن از امداد ذات مقدس او، تصمیم بر تألیف فهرستی گرفتم که در آن احادیث بحارالانوار را بر اساس حروف معجم قرار دهم تا راه برای دسترسی به آن ها کاملاً آسان گردد. بعد در هر ماده ای از حدیث آن، اگر مختصر باشد، عین آن را بیاورم و اگر مختصر نباشد به مضمون یا محل نیاز به آن اشاره کنم و چنانچه تحقیقی لطیف و یا مطلب مهمی در آن باشد، گزیده و

خلاصه آن را نقل کنم. هم چنین مختصری از تراجم مشاهیر اصحاب پیغمبر و پیشوایان دین صلوات الله علیهم اجمعین و شمّه ای از احوال معاریف علما و فریقین و شیعه و ادیان معروف. بنابراین، کتابی است برای شناخت موادّ احادیث بحارالانوار، به همین جهت آن را «سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار» نامیدم».(۱) محدث قمی پس از سال ها تلاش، سرانجام در سال ۱۳۴۴ه . ق در نجف اشرف تألیف «سفینه» را به پایان رساند.

بخش دوم:

این بخش شامل تألیفاتی است که در زمان حیات مؤلف به پایان رسیده، ولی در آن زمان چاپ نشده است. این کتاب ها عبارتند از:

۱. فیض العلام فی وقایع الشّهور و الایّام که به زبان فارسی نگاشته شده و درباره وقایع ماه ها و روزهاست.

۲. هدیه الأنام الی وقایع الأیام که خلاصه کتاب فیض العلام است.

۳. کلمات لطیفه: در مورد اخلاقیات است که به ضمیمه کتاب نزهه النواظر ایشان چاپ شده است.

۴. کشکول

۵. الدُّر النّظیم فی لغات القرآن العظیم: محدث قمی برای آشنایی بیشتر پژوهشگران و نویسندگان علوم قرآن، کتاب کم حجم، ولی گران قدر و گران سنگ الدُّر النّظیم فی لغات القرآن العظیم را در واژه شناسی قرآن به رشته تحریر درآورد. نویسنده در این کتاب تنها به شرح لغات و واژه ها بسنده نکرده، بلکه

۱- مفاخراسلام، ج ۱۱، بخش دوم، ص ۱۷۲.

به مناسبت های گوناگون به مسایل صرف و نحو وادبیات و بیان روایات دلنشین و روشنگر پرداخته است.(۱)

۶ . کُحلُ البصر فی سیره سیّدالبشر: یکی از بهترین کتاب های سیره نبوی است که بارها چاپ شده و ترجمه فارسی آن نیز به چاپ رسیده است.

۷. کتاب نقدالوسایل شیخ حرّ عاملی

۸ . تقسیم بدایه الهدایه شیخ حرّ عاملی

۹. شرح الوجیزه شیخ بهایی رحمه الله .

۱۰. فیض القدیر: از کتاب های بسیار ارزنده محدث قمی، کتاب فیض القدیر فیما یتعلق بحدیث الغدیر است. این کتاب مشتمل بر دو مقصداست؛ مقصد اول در اثبات تواتر حدیث غدیر و نقض ایرادات فخر رازی و مقلّدین است.

مقصد دوم، در بیان دلالت حدیث غدیر بر امامت حضرت امیر علیه السلام و نقض کلمات «شاه صاحب دهلوی» است. این کتاب در حقیقت تلخیص بحث غدیر در کتاب عبقات الانوار مرحوم میر حامد حسین هندی است.

۱۱. علم الیقین که خلاصه حق الیقین علامه مجلسی است.

۱۲. مقالید الفلاح فی عمل الیوم و اللّیله

۱۳. مقلادالنّجاح خلاصه کتاب یاد شده است.

۱۴. خلاصه جلد یازده بحار الانوار علامه مجلسی

۱۵. شرح کلمات قصار حضرت علی علیه السلام که در آخر نهج البلاغه آمده است.

۱۶. کتاب مختصر شمایل ترمذی

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۲۸.

۱۷. قوّه الباصره فی تاریخ الحجج الطّاهره

بخش سوم:

بخش سوم از تألیفات محدث قمی، کتاب هایی است که ناتمام مانده و ایشان توفیق تکمیل آن ها را نیافته اند. این آثار عبارتند از: ضیافه الاخوان، صحائف النّور فی عمل الایام والسّنه و الشّهور، ذخیره العقبی فی مثالب أعداء الزهرا علیهاالسلام، مسلی المصائب بعقدالأب و الأعزّه و الأحباب، الآیات البیّنات فی أخبار امیرالمؤمنین علیه السلام عن الملاحم و الغائبات، شرح صحیفه سجادیه، غایه المرام، شرح کتاب چهل حدیث، ترجمه زادالمعاد علامه مجلسی و ترجمه تحفه الزّائر علامه مجلسی.

فصل سوم: ویژگی های اخلاقی

اشاره

فصل سوم: ویژگی های اخلاقی

شیخ عباس قمی از هنگامی که چشم گشود و خود را شناخت، خودسازی را سرلوحه زندگی اش قرار داد و در کسب زیبایی های اخلاق اسلامی همّت گماشت. او این سخن ارزشمند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را سرمشق زندگی خود قرار داد که فرمود:

«بُعِثْتُ لِاُتِمِّمَ مَكارِمَ الْاَخْلاق؛ برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم».

زهد و پارسایی

زهد و پارسایی

زندگی شیخ عباس قمی بسیار ساده و از حدّ زندگی یک اهل علم عادی هم پایین تر بود. لباسش یک قبای کرباس بسیار نظیف، معطر و تمیز بود. هیچ گاه در فکر لباس های مرغوب نبود. فرش خانه اش گلیم بود.از سهم امام استفاده نمی کرد و می گفت: من اهلیت ندارم از آن استفاده کنم.

«روزی در نجف اشرف دو زن محترمه که در بمبئی سکونت داشتند، حضور آن مرحوم می رسند و تقاضا می کنند که هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه به ایشان تقدیم کنند که از لحاظ زندگی در رفاه باشند. در آن ایام مخارج ماهانه خانواده وی از ماهی پنجاه روپیه تجاوز نمی کرد. حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند. میرزا محسن محدث زاده، فرزند کوچک آن مرحوم اصرار می کند تا بپذیرد، ولی ایشان قبول نمی کند. آنگاه شیخ عباس رو به فرزند کرده و می گوید: من همین مقدار هم که الآن خرج می کنم، نمی دانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدهم. در جواب

این مقدار هم معطّل هستم. چگونه بارم را سنگین تر کنم؟»(۱)

ساده زیستی

ساده زیستی

آقای محدث زاده از قول آقا شیخ رضا سراج می گوید:

«زمانی که در مدرسه مروی تهران طلبه بودم، یک روز پدرم (حاج شیخ عباس) آمد و به من فرمود: آقا شیخ رضا، آفتابه ات را به من بده. بعد عبایشان را به من دادند و آفتابه را بردند. وقتی برگشتند، دیدند من ایستاده ام. گفتند فلانی، چرا این جا معطّل شدی؟ من با ایشان مزاح کردم و گفتم حاج شیخ ترسیدم آفتابه من را ببری و بفروشی. ایشان فرمودند: آخر عبای من که پیش شما بود. گفتم بیایید حساب کنیم. آفتابه من دو سه کیلو است و ۱۲ تومان قیمت دارد، در حالی که عبای شما ۳ تومان هم نمی ارزد. در این جا شیخ عباس فرمود: آقا شیخ رضا، خوب بود که آدم می توانست در تمام عمر با یک عبا زندگی کند که حسابش در قیامت سبک تر باشد».(۲) ایشان به ساده زندگی کردن و سبک بودن حساب آخرت عنایت خاصی داشت.

فروتنی

فروتنی

محدث قمی در برابر اهل علم و علما، به ویژه کسانی که اهل حدیث و روایت بودند، تواضع بسیار داشت و در مقابل آنان فروتنی می کرد. هیچ گاه خود را بر دیگران مقدّم نمی دانست. به هر مجلس و محفلی که وارد می شد، پایین تر از همه می نشست. اگر کسی وی را می ستود، خواهش می کرد که ادامه ندهد. در خانه هیچ گاه انجام کاری را به کسی تحمیل نمی کرد و از کسی نمی خواست که کاری انجام دهد. اگر به او محبّتی می شد سپاسگزاری می کرد. ایشان روزی

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۴۵.

۲- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۱۱۸.

برای فرزنـد بزرگش نقل کرده بود: «وقتی کتاب منازل الآخره را تألیف و چاپ کردم و به قم رسـید، به دست شـیخ عبدالرّزاق مسـئله گو که همیشه قبل از ظهر در صـحن مطهر حضـرت معصومه علیهاالسـلام مسئله می گفت افتاد. مرحوم پدرم (کربلایی محمـدرضا) از علاقه منـدان شـیخ عبـدالرزاق بود و هر روز در مجلس او حاضـر می شد. یک روز پدرم به خانه آمد و گفت: شیـخ عبـاس، کـاش مثـل این مسـئله گو می شـدی و می توانستی به منبر بروی و این کتاب (منازل الآخره) را که امروز برای ما خوانـد بخوانی. من چنـد بـار خواسـتم بگویم آن کتاب از آثار و تألیفات من است، اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم. فقط عرض کردم دعا بفرمایید خداوند توفیقی مرحمت فرماید».(۱)

وارستگی و عزت نفس

وارستگی و عزت نفس

محـدث قمی از وارسـتگی و عزت نفس خاصـی برخوردار بود. آقـای محـدث زاده نقـل می کنـد: «پـدرم شـیخ عباس به سـید عبـدالغفار از علمای محترم نجف می گفتند: سابقا من (محدث قمی) خیلی مراقب چشم و گوش و زبانم بودم. چشم و گوشـم مطالبی را می دید و می شـنید که حالا این طور نیست. از جمله در یک روز پنج شـنبه، طرف صبح به اتفاق یکی از دوستان به قبرسـتان وادی السـلام نجف رفتیم. وقتی که به دیوار پشت قبرسـتان رسـیدیم، شـنیدم صدایی از قبرسـتان می آید. مثل این که شتری را داغ می کننـد. از همراهم پرسـیدم شـما صدایی می شـنوید؟ گفت: نه، گفتم: من چنین صدایی را می شـنوم. وقتی به داخل قبرسـتان آمـدیم، در بین قبرها که می گشتیم، دیـدیم جنازه ای را دارنـد دفن می کننـد و دیـدم آن صدای ناله از همین مرده است. معلوم شد آن شخص از

۱- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۴۸.

افراد شرور نجف بوده است. تا آخرین لحظه که جنازه را دفن می کردنـد، آن صـدا می آمـد. سپس محـدث قمی فرمود: آن وقت ها ما این جور صداها را می شنیدیم و حالا این طور نیستم و بر وضع خودشان اظهار تأسف می کردند».(۱)

حدیث اخلاص

حدیث اخلاص

محدث قمی، حدیث اخلاص بود. اگر کوچک ترین شبهه ای در دلش رخنه می کرد که قدمش در مسیری که می رود، برای خـدا نیست و یا وسوسه ای قلبش را می لرزانـد، بـدون هیچ تأملی باز می گشت. یکی از دانشـمندان معاصـر می گوید: «من از همان اوقات که به تحصیل مقدمات اشتغال داشتم، نام محدث قمی را می شنیدم. وقتی که برای تحصیل به مشهد مشرّف شدم، زیارت ایشان را بسیار مغتنم شمردم. چند سالی که با این دانشمند با ایمان معاشرت داشتم و از نزدیک به مراتب علم و عمل و پارسایی و پرهیزکاری ایشان آشـنا شدم، روز به روز بر ارادتم افزوده می شد. در یکی از ماه های رمضان با چند تن از دوستان از ایشان خواهش کردیم که در مسـجد گوهرشاد اقامه جماعت را بر علاقه مندان منّت نهند. با اصرار و پافشاری؛ این خواهش پـذیرفته شـد و چنـد روزی نمـاز ظهر و عصـر در یکی از شبسـتان هـای آن جا اقامه شـد و بر جمعیت این جماعت روز به روز افزوده می شد.

هنوز به ده روز نرسیده بود که بسیاری اطلاع یافتند و جمعیت فوق العاده زیاد شد. یک روز پس از اتمام نماز ظهر، به من که نزدیک ایشان بودم گفتند: شما نماز عصر را بخوان. ایشان رفتند و دیگر آن سال برای نماز جماعت

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۲۱.

نیامدنـد. در موقع ملاقـات و سؤال از علت ترک نمـاز جماعت گفتنـد: حقیقت این است که در رکوع چهارم نماز ظهر متوجه شـدم که صدای اقتدا کنندگان که پشت سـر من می گویند: (یا الله یا الله اِنَّ الله مع الصّابرین) از محلی بسـیار دور به گوش می رسـد. این، تـوجه مرا به زیـادی جمعیت متوجه کرد و در من شـادی و فرحی تولیـد کرد. خلاـصه خوشم آمـد که جمعیت این اندازه است. بنابراین، من برای امامت جماعت آن جا اهلیت ندارم».(۱)

این اخلاـق و رفتـار محـدث قمی، تنهـا منحصـر به نماز نبود. او در شـعایر دیگر الهی نیز همین رویه را دنبال می کرد و هر گاه شبهه ای در دلش به وجود می آمـد و احسـاس می کرد کسـی یا چیزی با اخلاص وی شـریک می شود، یا آن کار را رها می کرد و یا از گرفتن اجرت و کمک چشم پوشی می کرد. «در یکی از سال ها، مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می کند که بانی مجلس شود و تعهـد می کند که مبلغ پنجاه دینار عراقی به ایشان تقدیم کند. در آن موقع هزینه محدث در هر ماه سـه دینـار بوده است. محـدث می گویـد من برای امـام حسـین علیه السـلام منبر می روم، نه برای دیگری و بـدین گونه آن وجه را نپذیرفت».(۲) تواضع و اخلاص محدث تا آن جا بود که در هنگام نوشـتن کتاب فوائدالرضویه در باب احوال علمای اسلام، از خود چیزی نمی گوید و خود را در زمره علمای تشیّع به شـمار نمی آورد. او در جایی از این کتاب می گوید: همانا چون این کتاب شـریف در بیان احوال علماست، شایسـته ندیدم که ترجمه (شرح حال) خود را ــ که احقر و پست تر از آنم که در عدد ایشان باشم ــ در آن درج

۱- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۵۲.

۲- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، صص ۴۶ و ۴۷.

کنم. از این رو، از ذکر نام خود صرف نظر کرده و اکتفا می کنم به ذکر مؤلفات خود.(۱)

تهجّد و شب زنده داری

تهجّد و شب زنده داری

شیخ عباس قمی، هر شب دست کم یک ساعت پیش از طلوع فجر بیدار و مشغول نماز و تهجّد بود. ایشان به عبادت آخر شب و قبل از سپیده دم اهمیت زیادی می داد و معتقد بود که بهترین اعمال مستحبی، عبادت و تهجّد است. آقای محدث زاده فرزند بزرگ ایشان می گفت: «تا آن جا که من به خاطر دارم، بیداری آخر شب از آن مرحوم فوت نشد. حتی در سفرها این وضع جریان داشت».(۲) هم چنین فرزند دوم ایشان نقل می کند: «در ایامی که در نجف اشرف اقامت داشتیم، یک شب جمعه پس از نماز شب (که بسیار مقید به آن بود و شاید کمتر از وی فوت می شد) مشغول قرائت قرآن مجید شدند. سوره مبارک یاسین را خواندند تا رسیدند به آیه «هذه جهنَّمُ الَّتی کُنْتُمْ توعَدون» چندین بار این آیه را تکرار کردند و مکرّر می گفتند: «اَعوذُ بااللّه مِنَ النّار» ؛ پناه به خدا از آتش جهنّم و چنان منقلب شدند که نتوانستند باقی سوره را بخوانند. به همان حال باقی ماندند تا اذان صبح که شروع به خواندن نماز صبح کردند».(۳)

در حقیقت، مرحوم محدث قمی چنان عبادت می کرد که در «مفاتیح الجنان» شرح می دهد و قبل از هر کس خود معتقد به آن دعاها و زیارات، تعقیبات، اوراد و اذکار و دارای آن حال عبادت بود.

۱- عباس ابن محمدرضا، فوائد الرضویه، تهران، ۱۳۶۷ ش، ص ۴.

۲- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۲۰.

۳- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، صص ۶۱ و ۶۲ . برگرفته از کتاب محدث قمی، حدیث اخلاص، ص۸۷ .

نهی از منکر

نهی از منکر

حـاج شـیخ عباس قمی به امر به معروف و نهی از منکر سـخت پای بنـد بود. در اجرا و انجام آن خودی و بیگانه را یکسان می شمرد، ملاحظه هیچ کس را نمی کرد و در این باره دوستی و رفاقت نمی شناخت.

«یک روز در نجف اشـرف یکی از علاقه منـدان او که در انجام کارهای خیر کوشا بود و نسبت به او اظهار علاقه می کرد، به منزل محـدث قمی می آیـد. شـیخ عباس متوجه می شود که وی کار خلافی کرده است. فی المجلس او را نصـیحت می کنـد. شخص مزبور منقلب شـده و از خـانه خـارج می شود. حـدود بیست سـال بعـد به فرزنـد آن مرحوم می گویـد از آن زمانی که مرحوم حاج شیخ مرا نصیحت کرد و کار خلافم را به رویم آورد، تاکنون دیگر گرد آن کار نرفته ام».(۱)

هم چنین مرحوم محدث زاده نقل می کرد:

«یکی از وعـاظ تهران که سـیدی متعهـد و فاضل بود، می گفت در زمان حیات حاج شـیخ عباس در سـفر مکه معظمه زنی نزد من می آمد و مسایل حج را از من سؤال می کرد. یک روز با او شوخی کردم. وقتی از سـفر حج مراجعت نمودم، مرحوم حاج شیـخ عباس را در نجف اشـرف دیـدم. بدون مقدمه به من فرمودند: مناسب نبود با نامحرم شوخی کنی. همین که متوجه شدم، حرفش را تغییر داد و سخن دیگر به میان آورد».(۲)

غنیمت شمردن عمر

غنیمت شمردن عمر

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، بخش اول، ص ۱۳۱.

۲- حسین ابراهیم زاده و محمد عابدی، پیکار با منکر، قم، انتشارات معروف، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸.

یکی از ویژگی های محدث قمی، علاقه فراوان به نویسندگی و مطالعه کتاب بود؛ به گونه ای که می توان گفت زندگی او در کتاب و قلم خلاصه شده بود.حاج میرزا محسن محدث زاده می گوید: «مرحوم پدر ما خیلی علاقه مند بود به جایی که هوایش آزاد و نهر آب و درخت و سبزه داشته باشد. خیلی خوش بودند که در این طور جاها بنشینند و استفاده کنند و مشغول کتابت و مطالعه باشند. چون ایشان شب و روز مشغول نوشتن بود و آنی بی کار نبود؛ لذا این جور جایی را انتخاب می کردند که هم تفرّج و تنوّعی باشد و هم از کار تألیف و تصنیف باز نمانند. ایشان اهتمام داشت که دقیقه ای از عمر مبارکشان بیهوده تلف نشود. اگر پیشامدی می کرد واز کار نوشتن باز می ماندند، بسیار متأثر می شدند».(۱)

آقای محدث زاده می گوید: «یادم هست که در ایام زمستانی در نجف اشرف بودم یک روز صبح ایشان از اتاقشان که در طبقه بالا بود به اتاق ما که در طبقه پایین بود برای صرف صبحانه آمدند. ما به جهت رفع سرما برای خودمان کرسی گذاشته بودیم. ایشان رفتند زیر کُرسی و طبعا قدری چرتشان برد. من رفتم برای درس. ظهر وقتی برگشتم دیدم مرحوم والد هنوز زیر کرسی خوابیده اند. همین که من آمدم، بیدار شدند و پرسیدند چه وقت است؟ عرض کردم ظهر شده است. آن قدر متأثر شدند که فرمودند: ای وای، نصف روز من گذشت و من از آن استفاده نکردم. بعد نذر کردند که اگر از آن به بعد زیر کُرسی بنشینند، دو جزء قرآن بخوانند و بعد به کارهایشان بپردازند. پس از

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، ص ۱۱۳.

آن هر وقت به اتاق ما تشریف می آوردند، هر چه اصرار می کردیم که هوا سرد است، قدری زیر کُرسی بنشینید، قبول نمی کردند و می فرمودند این کرسی باعث شد نصف روز من هدر برود و من از آن استفاده نکنم».(۱)

بزرگداشت قرآن مجید و احادیث اهل بیت علیهم السلام

بزرگداشت قرآن مجید و احادیث اهل بیت علیهم السلام

محدث قمی در برابر ائمه اطهار علیهم السلام و آثار و احادیث آن ذوات مقدس، بسیار فروتنی می کرد؛ همان خضوعی که در برابر قرآن مجید می کرد. درست مطابق مضمون سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که امت را موظّف ساخت که قرآن و اهل بیت را از هم جدا نکنند تا در زندگی دنیا رستگار باشند و در آخرت آمرزیده شوند. هیچ گاه دیده نشد که محدث قمی بدون وضو و طهارت حدیثی را یادداشت کند یا بی وضو دست بر صفحه کتاب حدیث یا جلد آن بگذارد. همیشه هنگام مطالعه کتاب حدیث دو زانو و رو به قبله می نشست. مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده فرزند بزرگ آن مرحوم می گفت: «فراموش نمی کنم زمانی که در نجف اشرف بودیم، یک روز صبح در حدود سال ۱۳۵۷ ه . ق، یعنی دو سال قبل از وفاتشان از خواب برخاستند و اظهار داشتند، امروز چشمم به شدت درد می کند و قادر به مطالعه و نوشتن نیستم. و بسیار ناراحت به نظر می رسیدند. تقریبا زبان حالشان این بود که شاید خاندان پیامبر صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین مرا از خانه شان طرد کرده باشند. آن مرحوم عادت داشت که گاهی این مطلب را با تأثّر می گفت و می گریست ... در آن اوقات مشغول تحصیل بودم. رفتم به درس و ظهر که به خانه برگشتم، دیدم ایشان

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، ص ۱۱۳.

مشغول نوشتن هستند. عرض کردم: درد چشمتان بهتر شد؟ فرمودند: درد به کلی مرتفع گردید. سؤال کردم: به چه معالجه فرمودید؟ فرمود: وضو ساختم و مقابل قبله نشستم و کتاب کافی را به چشمم کشیدم، درد چشمم برطرف شد. ایشان تا پایان عمر دیگر به درد چشم مبتلا نگردیدند».(۱)

هم چنین آقای محدث زاده می افزاید: «مرحوم پدرم نسبت به اهل بیت، خصوصا آقا امیرالمؤمنین سلام الله علیه، اخلاص و ارادت خاصی داشتند. مگر می شد بدون وضو نام ائمه را ببرند و یا قلمی به دست گیرند و چیزی بنویسند».

«در زمان اقامت در مشهد وقتی پسر کوچکش آقای محدث زاده که کودک سه ساله ای بود بیمار می شود، برایش داروی ایرانی جوشانده و صاف کرده مختصری شکر در آن ریخته و می آورند تا بیاشامد. محدث قمی با انگشت دست راست کمی داروی مایع را به هم می زنند. همسرش می گوید صبر کنید قاشق بیاورم. حاج شیخ عباس می گویند: من در این کار قصد استشفا داشتم. چون با این دست هزاران حدیث از ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین نوشته ام».(۲) آن مرحوم در کتاب فوائدالرضویه ضمن شرح حال سید نعمت الله جزایری می نویسد:

«او در اوایل تحصیل چون قادر به داشتن چراغ برای مطالعه اش نبود، توسل می جست به تربت حضرت سیدالشهدا و تراب مراقد علیهم السلام و به برکت آن ها چشمش روشن می شد». آن گاه پس از شرحی می گوید: «این حقیر نیز هر گاه

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص۴۹.

۲- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۵۰.

به سبب زیاد چیز نوشتن چشمم ضعف پیدا می کند، تبرّک می جویم به تراب مراقد ائمه علیهم السلام و گه گاهی به مسح به کتابت احادیث و اخبار و ... به حمدالله چشمم در نهایت روشنی است و امیدوارم انشاءالله که در دنیا و آخرت چشمم به برکات ایشان روشن باشد.(۱)

بزرگداشت سادات

بزرگداشت سادات

محدث قمی برای اهل علم، به ویژه سادات و اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله، احترام زیادی قایل بود. اگر سیّدی در مجلس بود، بر او تقدّم نمی جست و پا به سوی او دراز نمی کرد. به عبارت دیگر، در رعایت حق آنان بی اختیار بود. مرحوم محدث زاده از مرحوم سلطان الواعظین شیرازی (نویسنده شب های پیشاور) نقل می کرد که گفته بود: «در ایامی که مفاتیح الجنان، تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامره آن را در دست داشتم واز روی آن مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی. و شروع به تعریف از وی کردم. شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد. بی خود تعریف می کنی. من ناراحت شدم، گفتم: آقا برخیز و برو. کسی که پهلوی من نشسته بود با دست به پهلویم زد و گفت: مؤدب باش. ایشان خود محدث قمی آقای حاج شیخ عباس هستند. من برخاستم و با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و خم شد و دست مرا بوسید و گفت: شما سیّد هستید».(۲) آقای محدث زاده در جای دیگر

۱- فواید الرضویه، ص ۶۹۵ .

۲- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۴۴.

می گوید: «چند ساعت قبل از فوت شیخ عباس، برای ایشان آب سیب گرفته بودند. دخترکی خردسال از سادات در منزل آن مرحوم بود. محدث قمی می فرماید: اول بدهید این دختر بچه علویه از آن بنوشد، بعد به من بدهید. بنابراین، دادند دخترك نوشید، سپس باقیمانده را به قصد استشفا سرکشیدند».(۱)

احترام به آثار بزرگان

احترام به آثار بزرگان

از ویژگی های دیگر حاج شیخ عباس این بود که خود را در برابر آثار بزرگان کوچك می شمرد. اگر می دید شخص دیگری پیش از او در موضوعی کار کرده و مطلب نوشته است، حق او را نگه می داشت یا از زحمات او یاد می کرد. آقای محدث زاده، فرزند ایشان به نقل از آقای رحمانی همدانی واعظ می گوید: «آیت الله آخوند ملا علی همدانی فرموده بودند: وقتی حاج شیخ عباس کتاب سفینه البحار را می نوشتند و کتابی بود که در زمان حیاتش به سختی چاپ شد، در نظر خودش خیلی عالی آمده بود، اما وقتی قصد کرد مفاتیح الجنان را تألیف کند، منصرف شده بود که با بودن این همه کتاب های دعا مثل اقبال سیدبن طاووس و زادالمعاد علاّمه مجلسی و... چه لزومی دارد کتاب دعایی بنویسم، ولی بعد به واسطه ارادت و اخلاص زائدالوصفی که به حضرت زهرا علیهاالسلام داشت، به دلش خطور می کند که کتاب دعایی را تألیف کند و ثوابش را هدیه به روح مطهر حضرت صدیقه کبری علیهاالسلام بنماید». از سوی دیگر به وی ایراد گرفته بودند که چرا در کتاب مفاتیح و هدیه الزائرین گاهی اوقات بعضی مطالب را ناقص نقل کرده و ارجاع به کتب ادعیه قدیمی مانند مصباح شیح طوسی و اقبال سیدبن

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۴۴.

طاووس و زادالمعاد علامه مجلسی داشته است. محدث قمی در پاسخ می گوید: من می توانستم آن ها را به طور کامل نقل کنم، اما یکی به خاطر حجم کتاب بود که نخواستم بیشتر شود و دیگر این که نمی خواستم با نوشتن این کتاب، کتب سابق از علمای بزرگ منسوخ شود، بلکه می خواستم افرادی که با ادعیه سروکار دارند بدانند که «اَلْفَضْلُ لِمَنْ سَبَقَ» و متوجه شوند که قدما چه زحماتی کشیده اند و نخواستم زحمات آن ها از بین برود و مردم به کتب آن ها مراجعه نکنند».(۱)

شعر و شاعری از نظر محدث قمی

شعر و شاعری از نظر محدث قمی

محدث بزرگوار با این که رسالت اصلی خویش را متوجه ثبت و ضبط حدیث، مطالب اخلاقی و سخنان پیغمبر و ائمه طاهرین علیهم السلام و علما و بزرگان دینی نموده بود، شور و شوق زیادی هم به شعر و شاعری داشت. شدت علاقه محدث قمی به شعر و نقل آن در آثارش تا آن جا بود که در کتابی مانند مفاتیح الجنان که به فارسی و در زمینه ادعیه، اوراد، اذکار و زیارات ماثوره نوشته است، نیز از نقل اشعار مناسب به عربی و فارسی خودداری نکرده است. این در حالی است که علمایی مانند او کمتر به شعر و نقل آن در آثارشان رغبت نشان داده اند. در این جا، به ابیاتی که محدث قمی در اوراقش یاد داشت کرده اشاره ای می کنیم.

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، ص ۱۵۱.

چون عود نبود چوب بید آوردم

روی سیه و موی سپید آوردم

چون خود گفتی که ناامیدی کفر است

بر قول تو رفتم و امید آوردم

دل پیوسته به حق را خطر از دشمن نیست

هیچ حرزی، چون دل خود به خدا بستن نیست(۱)

گر بمیرد عدو جای شادمانی نیست

که زندگانی ما نیز جاودانی نیست(۲)

جایگاه بسم الله الرحمن الرحیم نزد محدث قمی

جایگاه بسم الله الرحمن الرحیم نزد محدث قمی

حاج شیخ عباس قمی، این محدث عالی مقام، با توجه به اهمیت «بسم الله الرحمن الرحیم» در شرع مقدس، به آن عنایت خاصی داشت از این رو، در آغاز کتاب و هر صفحه از نوشته هایش «بسم الله الرحمن الرحیم» را به صورت کامل می نوشت؛ نه به صورت «بسم الله» و یا «بسمه تعالی» و امثال این ها که ناقص است. او حتی اگر جمله ای را هم می نوشت، پیش از آن «بسم الله الرحمن الرحیم» را می آورد. مرحوم شیخ علی اکبر مروج الاسلام در کتاب هدیه المحصّلین در این باره می نویسد: «و شیخ ما محدث قمی طاب ثراه در لعالی منثوره می فرماید: از امام علی النقی علیه السلام منقول است که فرمود اگر بگویم کسی که گفتن یا نوشتن «بسم الله الرحمن الرحیم» را در کارها و نوشته هایش ترک کند مثل کسی که نماز را ترک کند، هر آینه راست گفته ام». عامل بودن خود آن بزرگوار به این حدیث و «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشتن او بر سر هر صفحه و ابتدای هر مطلب اگر چه نیم خط هم باشد، دلیل روشنی است به قداست نفس این محدث پارسای خداشناس و خداجوی رحمه الله و

۱- محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۱۲۹.

۲- مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۴۹.

جالب است که فرزنـدان او هم چنین بودند و هسـتند. نوشـته های حاج شـیخ مهدی محدث زاده که از نوادگان شـیخ است نیز همین گونه است».(۱)

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، ص ۳۲۷. برگرفته از: هدیه المحصّلین، ص ۱۷۲.

فصل چهارم: فعالیت های شیخ عباس قمی

اشاره

فصل چهارم: فعالیت های شیخ عباس قمی

محدث قمی هم چون دیگران در دوران زندگانی اش شاهد وقایع و رویدادهای تلخ و شیرینی بود که از آن ها بهره می جست. او در تربیت علمی و اخلاقی جامعه پیشتاز بود. بیشتر فعالیت های او را منبرهای او تشکیل می داد که از طریق آن، گاه از سیاست های دولت انتقاد می کرد و زمانی دیگر در راستای تعلیم و تربیت انسان ها بهره می برد.

الف) فعالیت های سیاسی

الف) فعالیت های سیاسی

دوران زندگی محدث قمی مصادف با مشروطیت بود. از یک طرف شاهد خیزش مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت همیشه بیدار جامعه در مقابل ستمگری ها و خون ریزی های شاهان قاجار بود و از سوی دیگر، می دید که چگونه به اصطلاح منوّرالفکران برای دین زدایی و اسلام ستیزی تلاش می کنند تا مسلمان ایرانی را از دین و معنویت تهی سازند. در چنین شرایطی، مجالس درس و سخنرانی حاج شیخ عباس قمی اثر عمیقی بر دل ها و جان های مسلمانان می گذاشت. در همین دوران او با مسافرت به شهرهایی چون قم، تهران و مشهد بر فراز منبر، به تبلیغ دین می پرداخت و مردم ایران را متوجه نقشه شوم دشمنان اسلام می کرد. با رسیدن رضا خان به حکومت، مراکز فساد نیز رونق گرفت و رواج منکرات در جامعه رو به فزونی گذاشت. رضا خان، در راستای اجرای سیاست دین زدایی و تهی کردن جامعه اسلامی ایران از ایمان و معنویت، بر بیگانگان و اجانب تکیه زد و حمایت های بی دریغ انگلیس و آمریکا را با دل و جان پذیرفت. در این زمان، حاج شیخ عباس در میدان نبرد با دشمنان دین و مملکت به عرصه این جهاد مقدس گام نهاد و در

منبرهـایش، از سـیاست هـای دولت انتقاد کرد. در میان اوراقی که در لابه لای کتاب های خطی محـدث قمی به دست آمـده، نوشـته کوتـاهی است از طرف کمیته مجـازات و منکرات مشـهد که در آن وی را به دلیل انتقاد از آمریکایی ها بر منبر تهـدید کرده بودند. متن نامه چنین است:

آقای آقا شـیخ عباس قمی! پدر سوخته، شنیدم که در منبر از امریکایی ها حرف بد می زنید. اگر شنیده شد که دو مرتبه از این گونه مزخرفات بگویید و تکذیب نکنید، همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را مثل سگ پاره خواهیم کرد.(۱)

لبه تیز حمله این گروه تروریستی و مرموز که به نـادرستی به گروهی انقلابی معروف شـد، بر ضـد علمـا بود. بیشتر سـران این کمیته، بهایی بودند و به تبلیغات بهایی گری شهرت داشتند.

ب) فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی

ب) فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی

حاج شیخ عباس، گذشـته از محدث بودن و آن همه نوشته ها و کتاب ها که به فارسی و عربی برای خاص و عام نوشته است، واعظی کم نظیر و از بزرگان اهل منبر هم بود. در ربع قرن گذشـته در حوزه های علمیه نجف اشـرف و قم و مشهد مقدس، از استادان گرفته تا دیگر علما و فضلا و فقها و مردم مختلف از تاجرها و کاسب ها و افراد عادی، از تاثیر ژرف وعظ و منبر حاج شیخ عباس قمی یاد می کردند و مطالب جالبی را که در منبر از وی شنیده بودند بازگو می کردند؛ زیرا منبر او غیر از منبرهای عادی بود. منبر حدیث بود و خود، محدثی توانمند به شمار می آمد. در حقیقت، منبر او مکتب تربیتی و اخلاقی

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۳۴۵.

بود. یکی از علمای تهران که از دوستان صمیمی آن مرحوم بود، می گوید: «در زمان اقامت شیخ در مشهد، ایشان مقید بود در مساجدی که متروک مانده نماز بگذارد و همین که مردم متوجه حضور شیخ می شدند، می آمدند و به وی اقتدا می کردند و نماز جماعت برگزار می شد. محدث قمی تا جایی نماز جماعت را ادامه می داد که برای تعمیر یا تجدید بنای مسجد بانی پیدا می شد و چون این منظور تامین می گردید، دیگر به اقامه نماز جماعت ادامه نمی داد».(۱) بی گمان محدث قمی، واعظ خلق و به تمام معنا اهل منبر بود. هم بیانی رسا و گویا داشت و هم محدثی بزرگ و محقق بود. بعید نیست که شیخ عباس قمی در همان قم و پیش از رفتن به مشهد در سال ۱۳۳۲ گاهی به منبر می رفت، ولی وعظ و سخنان نافذ و منبرهای رسمی او در مشهد و شهرهای خراسان مشهور شد و بعدها در قم و همدان، به ویژه در نجف اشرف، زبانزد خاص وعام شد. منبر او همه را تحت تاثیر قرار می داد. رسم معمول محدث قمی این بود که در منبر ابتدا خطبه می خواند و سپس حدیثی را بیان می کرد و به مناسبت آن، حدیثی دیگر و حدیثی دیگر و همه را با ذکر اسناد و گاهی معرفی اجمالی و یا تفصیلی راویان می آورد. منبر رفتن محدث قمی در مشهد و نجف اشرف تا روز عاشورا بود و بعد از آن هر چه اصرار می کردند، نمی پذیرفت. گاهی چند روزی در ایام بعد از عاشورا هم منبر می رفت و می گفت: «بیش از این، مزاحم کار نوشتن من است. من تألیف و تصنیف را لازم و مهم تر می دانم». با این که ایشان پیوسته با اخبار و روایات و احادیث و تاریخ و... سروکار داشت، برای

۱- پیکار با منکر، ص ۹۵.

یک بار منبر رفتن یکی، دو ساعت مطالعه می کرد تا مبادا کلمه ای کم و زیاد بگوید.

آقای حاج معتمد خراسانی ــ واعظ بزرگوار معاصر مقیم تهران ــ که در جوانی منبرهای محدث قمی را در مشهد دیده است، در این باره می گوید: «حاج شیخ عباس براساس فن خودش که علم حدیث بود، صحبت می کرد. حدیث را براساس میزان علم الحدیث بیان می نمود، چون نسبت به حدیث شناخت داشت. وقتی در منابر می نشست، گویی جمعیت نفس نداشتند، مبادا یک کلمه از سخن او را نشنوند. مجلس او نورانیت عجیبی داشت. کسی که او را در بالای منبر می دید، گویی کوه وقار و صبر و زهد و تقوا را می دید». مرحوم ادیب نیز به شاگردانش سفارش می کرد: «بروید پای منبر حاج شیخ عباس قمی و استفاده کنید».

امتیاز آن محدث بزرگ، این بود که هوا و هوس را در خود کشته بود و از اسارت هوس و خودخواهی بیرون آمده بود.

آیت الله حاج آقا رضا صدر نیز که در نوجوانی در مشهد مقدس شاهد منبرها و مواعظ او بوده است می گوید: «او سخنوری دانا و گوینده ای توانا بود. هنگامی که بر منبر جلوس می کرد، به طور عادی سخن می گفت و حاضران سراپا گوش می کردند. موعظه می کرد، تاریخ می گفت، حدیث تفسیر می کرد، ذکر مصیبت از مصائب اهل بیت را چنان طبیعی و بدون تکیه به صوت بیان می کرد که مستمعان را به گریه شدید وامی داشت. سخنانش در خودش نیز مؤثر واقع می شد و برای حضرتش به مناسبت مطالب، تغییر حال رخ می داد».

آقای محدث زاده به نقل از آیت الله آقا شیخ کاظم دامغانی از علمای بزرگ

مشـهد می گویـد: «منبر شـیخ عبـاس جز اخبار و احادیث و تاریـخ چیز دیگری نبود. روضه را هم خیلی ساده می خواندنـد، اما چون با حال می خواندنـد و خودشان هم منقلب می شدنـد، مردم را فوق العاده منقلب می کردنـد. در یکی از سال ها، در روز تاسوعا، در مجلس منزل آیت الله حاج آقا حسـین قمی، از صـبح همه منبری ها منبر رفتند و هر چه راجع به حضـرت ابوالفضـل العباس سـلام الله علیها بود گفتند. بعد از همه آن ها، مرحوم حاج شـیخ عباس قمی منبر رفتند، وقتی وارد روضه شدند، شـروع کردنـد به خوانـدن اشـعار جناب ام البنین «لا تدعونی ویک ام البنین» تا آخر. من از شدت گریه از حال رفتم. وقتی مرا به حال آوردند، دیدم یازده نفر در اطراف من هنوز در حال بی هوشی هستند، خود ایشان هم حال عجیبی داشتند و گریه می کردند». روزی آن مرحوم دربـاره ربـاخواری و نکوهش آن سـخن می گفت و آیـات و روایات آن را می خوانـد. زرگری که اهل ربا بود، با شنیدن سخنان نافذ او طوری منقلب می شود و تکان می خورد که از کثرت وحشت دیوانه می شود».(۱)

مرحوم راشد، واعظ و دانشـمند مشـهور که از فضـلای آن روز حوزه مشهد و حاضران آن مجلس بوده بارها گفته است که اثر یک منبر ایشان تا یک هفته در ما باقی بود. در طول یک هفته مضامین سـخنان آن مرحوم در اعماق دل ما ریشه می دوانیـد و ما را به خود مشـغول می کرد، به گونه ای که تا هفته بعـد کاملاً تحت تاثیر آن بودیم. سـخنان نافذ آن مرحوم چنان بود که تا یک هفته انسان را از تمامی پندارهای ناروا و گناهان بازمی داشت و به خدا و عبادت متوجه

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۱۰۲.

می کرد.(۱) به گفته یکی از علمای اعلام نجف، وقتی حاج شیخ عباس قمی در منبر، حدیث می گفت و درباره آن بحث می کرد و مختصری از شرح حال هر کدام از راویان را بیان می کرد، همین که پس از معرفی آخرین راوی به امام صادق و یا امامان دیگر علیهم السلام می رسید، چنان بود که گویی شنونده، امام را با همان عظمت و مقام شامخ امامت می دید.(۲)

یکی از آقایان علمای محترم تهران نقل می کند: «محدث قمی یک سال ماه رمضان در مشهد منبر می رفت. روزی در سخنانش گفت: خواب دیده ام مثل این که روزه ام را افطار می کنم و خودم این طور تعبیر کرده ام که مبادا در نقل حدیث کم و زیادی روی دهد، لذا کتاب آورده ام که احادیث را از رو بخوانم».

محدث قمی با همه اطلاعاتی که درباره تاریخ حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و اخبار و احادیث آن ذوات مقدس داشت، نه تنها در مشهد، بلکه در قم و نجف اشرف و جاهای دیگر هم که به منبر می رفت، گاهی کتاب به دست می گرفت و حتی روضه را نیز از رو می خواند و تأثیر عجیبی هم بر شنونده می گذاشت.

از آن جا که شیخ، علاقه عجیبی به نوشتن داشت، وقتی در مشهد بود، نذر کرده بود که اگر غیر از منزل مرحوم آیت الله قمی و مسجد گوهرشاد منبر برود، یک سفر پیاده به حج برود. در همان موقع، تاجری به نام هراتی که بیمار بود، نذر کرده بود که اگر بهبودی یافت، یک دهه روضه بگذارد و حاج شیخ عباس قمی را دعوت کند. وقتی موضوع را به حاج شیخ می گوید، می فرماید:

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۱۰۳.

۲- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۱۰۳.

من نـذر کرده ام که غیر از خانه آقای قمی و مسـجد گوهرشاد جایی منبر نروم. هراتی می گویـد: من هم نـذر کرده ام شـما را دعوت کنم. بعـد برای این که حـاج شـیخ بدانـد اهمیت موضوع تـا کجـاست، می گویـد: من برای ادای نـذرم یک دهه، هزار تومان برای شـما در نظر گرفته ام. محـدث قمی می گویـد: با این وصف چون نـذر کرده ام معذورم.(۱) جـالب است که هزار تومان در آن زمان پول زیادی بوده است. شاید خانه او در مشهد آن موقع کمتر از هزار تومان قیمت داشته است.

درباره تأثیر سـفرهای تبلیغی شـیخ عباس قمی، می توان به سـفر ایشان به تربت حیـدریه اشاره کرد؛ به گونه ای که در این باره یکی از اهـالی تربت حیـدریه گفته است: اگر بگوییم دین مردم تربت، دین حاج شـیخ عباس قمی است گزاف نگفته ام. از این رو، مردم تربت حیـدریه به مرحوم حـاج شـیخ عباس علاقه عجیبی داشـتند. مرحوم صـدرالعلما _ داماد قائم مقام _ برای آقای محـدث زاده نقل کرده و گفته است: «سالی مرحوم پـدرت شب ها در تربت حیـدریه به منبر می رفت. شبی قبل از منبر، مردی می آیـد و به ایشـان اظهار فقر می کنـد و تقاضای کمک می نمایـد. حاج شـیخ عباس می فرمایـد: صبر کن، من روی منبر می گویم و مردم کمـک می کننـد حالا ـ آن ارادت و علاـقه شدیـد تربتی ها به ایشان از یک سو و این که او از روی منبر به مردم بگویـد به مسـتمندی کمک کننـد، از سوی دیگر. پیداست که همه بدون تأمل کمک می کردند، ولی ایشان روی منبر گفتند، اما حتی یک نفر هم چیزی به آن فقیر نداد. بعد خود حاج شیخ فرموده

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۱۰۴.

بودند، علت این بود که من به فقیر گفتم: به این ها می گویم و به تو کمک می کنند. و روی علاقه ای که مردم به من داشتند اطمینان به این کار داشتم، ولی خداوند به من عنایت فرمود و مرا متنبه کرد که تا ما نخواهیم همان مریدهای کذا و کذا هم به حرف تو اعتنا نمی کنند».(۱)

۱- مفاخر اسلام، ج۱۱، بخش اول، ص ۱۰۵.

فصل پنجم: وفات

اشاره

فصل پنجم: وفات

محدث بزرگوار، حاج شیخ عباس قمی در سال های پایانی عمر مقیم نجف اشرف بود.

در نجف، بر اثر شدت گرما به بیماری شدیدی به نام استسقاء (تشنگی بسیار شدید) دچار شد و رفته رفته حالش رو به وخامت گذارد؛ به گونه ای که نزدیک به یک ماه بستری بود. در اواخر عمر، روزی یکی از آقایان علما، مرحوم حاج آقا احمد قمی به عیادتش رفت و از حالش جویا شد. حاج شیخ عباس گفت: چند روز است که نتوانستم حدیث بخوانم و بنویسم و سپس به سختی می گرید. مرحوم روحانی به فرزند بزرگ آن مرحوم می گوید: کتابی بیاورید. جلد ۱۷ بحارالانوار علامه مجلسی را می آورند و او چند حدیث می خواند و محدث قمی شاد می شود.

آقای محدث زاده درباره روزهای پایانی عمر پدر عالی قدرشان می گوید:

«روز یک شنبه، اول ماه ذی القعده ۱۳۵۹ ه . ق، پدرم غسل کردند و به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدند. پس از زیارت، در آن حرم چهار رکعت نمازی(۱) که در آن روز وارد است، خواندند. در این اواخر، به واسطه کسالت قبلی پاهایشان ورم کرده بود و نمی توانستند تکان بخورند، سخت خسته و کوفته شده بودند؛ به گونه ای که نمی توانستیم ایشان را حرکت

۱- نک: مفاتیح الجنان، اعمال ماه ذی القعده.

دهیم و جابه جا کنیم. هفته آخر عمرشان نماز را نشسته می خواندند. صبح روز آخر، تمام محتوای جیب ها و انگشتر و ساعت بغلیشان را درآوردند و به ما دادند. از همه، به ویژه خواهر بزرگمان که خیلی در فکر ایشان بود، حلالیت خواستند. وقتی مادرمان از نزد ایشان بیرون می رفت، به حالت تضرع خاصی، همان گونه که رو به طرف حرم مطهر داشتند می گفتند: یا امیرالمومنین در این لحظات دست مرا بگیرید، مرا تنها نگذارید.

از غروب شب آخر عمرش، حالش غیرعادی شد. پی درپی اسامی ائمه اطهار را به زبان می آورد؛ وقتی به نام مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می رسید، بیشتر عرض ادب و اظهار ارادت می کرد و مکرر می گفت: «روحی له الفداء». آن شب بیشتر نمازها را نشسته خواند چون نمی توانست بایستد و تعادل خود را حفظ کند».

سرانجام روح پرفتوح محدث قمی، در شب سه شنبه، بیست و سوم ذی الحجه سال ۱۳۵۹ه . ق(۱) از قفس تن آزاد می شود و به عالم باقی می شتابد.

خبر درگذشت حاج شیخ عباس قمی با آن اسم و رسم و انبوه کتاب هایش، به ویژه مفاتیح الجنان او که در دست پیر و جوان و علما و مجتهدان و درخانه بیشتر شیعیان بود، با آن منبرها و مواعظی که خاص وعام مردم نجف اشرف از او به یاد داشتند، در سطح شهر پخش شد و همه را در غم و اندوه عمیق فرو برد. هر کس شنید، گریست وناله سر داد. وقتی خبر به علامه امینی، مؤلف کتاب الغدیر رسید، از شدت تأثر عمامه اش را به زمین زد؛ کاری که درباره

۱- ۲.علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص ۳۷۵.

درگذشت هیچ یک از بزرگان علما از وی ندیده بودند. جنازه آن مرحوم را برای غسل دادن و کفن کردن، صبح فردا به مغسل بردند و چون کار آن به درازاکشید، مراسم تشیع به بعد از ظهر موکول شد. آقا سید عباس کلیددار، متولی روضه منوّره حضرت امیرالمومنین علیه السلام، دستور داد جنازه را در عماری(۱) بگذارند، چون رسم چنین بوده که فقط نعش عالمان بزرگ و مراجع تقلید را با اجازه کلیددار در عماری می گذاشتند و با دیدن عماری بازار بزرگ نجف تعطیل می شده است. آن روز نیز حوزه علمیه و تمام مساجد نجف و بازار تعطیل شد و جنازه حاج شیخ عباس قمی را با تشییع پرشکوهی وارد صحن مطهر کردند. در آن جا آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرجع تقلید عصر، با انبوه علما و طلاب و عموم مردم از عرب و عجم بر آن نماز گزاردند. محدث قمی در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام درست کنار استادش، محدث نوری که در زمان حیاتش بسیار به او عشق می ورزید و به گفته خودش در سفر و حضر با او بود به خاک سپرده شد. بر دو کاشی که در دو طرف آن مرقد، نصب شده نوشته است: «خاتم المجتهدین، حاج میرزا حسین نوری» و «خاتم المحدثین، حاج شیخ عباس قمی».

در هنگام وفات، عمر شریفش ۶۶ سال بود. پس از درگذشت محدث قمی، تا حدود چهل روز در مساجد مختلف نجف مجالس ختم منعقد بود و در این مجالس از فضایل آن مرحوم و خدمات آن مرد بزرگ به اسلام و مسلمین بسیار گفته شد.

۱- کجاوه، محمل.

جایگاه و مقام حاج شیخ عباس در آخرت

مرحوم حاج شیخ عباس قمی گرچه دنیا را وداع کرد و جسم او از میان مردم غایب گشت، ولی یاد و نام وی پیوسته زنده و جاوید است زیرا «مرده آن است که نامش به نکویی نبرند». او با به یادگار گذاردن کتاب مفاتیح الجنان و ده ها اثر ارزنده دیگر همواره مشمول دعای خیر مردم گردیده و مقام و جایگاه وی برتری می یابد. در این زمینه می توان به رؤیای صادقانه مرحوم حاج میرزا احمد محمدی (برادرزاده حاج شیخ عباس) اشاره کرد. وی می گوید: پس از فوت مرحوم پدرم، او را در خواب دیدم در حالی که متوجه فوتش بودم... پرسیدم: مرحوم عمو حاج شیخ عباس که در دنیا این قدر معروف است (به خصوص با کتاب مفاتیح الجنان) آیا در بهشت هم معروف است؟ پاسخ داد: آری، هر روز صبح حدود یک میلیون نفر نزد او می آیند و از او دستور می گیرند.(۱)

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، دوست، همدرس و هم حجره محدث قمی درباره ایشان می گوید:

«ایشان را انسانی کامل و مصداق دانشمندی فاضل یافتم. به صفات پسندیده آراسته بود. اخلاق ستوده داشت و دارای تواضع فراوانی بود. سلیم الذّات و شریف النّفس بود. علاوه بر این ها، از فضل سرشار و تقوای بسیار و زهد فراوان برخوردار بود. به هم نشینی با او مدت ها اُنس گرفتم و روحم با روح او درآمیخت تا این که در سنه ۱۳۲۲ه . ق به ایران بازگشت و در قم

۱- سیدمحمدعلی جزایری آل غفور، ازهر چمن گلی، قم، انتشارات الامام المنتظر، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹.

ساکن گشت و به بحث و تألیف همت گماشت».(۱)

نگارنده کتاب معارف الرّجال، درباره ایشان می نویسد: «عالِمٌ عاملٌ».(۲)

میرزا محمـدعلی تبریزی در کتاب خود به نام ریحانه الادب می گوید: «حاج شـیخ عباس بن ابی القاسم از افاضل علمای عصـر حاضر ما که عالم فاضل کامل، محدث متتبّع و ماهر بود».(۳)

علامه امینی، صاحب کتاب ارزشـمند الغـدیر در کتاب خود درباره شـیخ عباس قمی می نویسد: «مؤلف از نوابغ و بزرگان علم حـدیث اسـت و در فنّ تـألیف در عصــر حاضـر مقـام ارجمنـدی را احراز نمـوده و خـدمات او در ایـن راه بر احـدی پوشـیده نیست».(۴)

حاج میرزا علی اکبر اصفهانی، نویسنده کتاب سه مقاله نوقانی، در مقدمه مفاتیح الجنان وی می نویسد: «صاحب این کتاب که حاج شیخ عباس قمی است، زینت تقوا کاران و دانشمند بزرگ و محدث کامل و شریف و داناست».

محقـق بزرگـوار، حـاج میرزا ابـوالحسن شـعرانی، مـترجم نفس المهموم در پایـان همین کتـاب می نویسـد: «وی ادیـبی بـارع و محدثی خبیر و مطلّع و در ضبط مطالب دقیق و در فارسی و عربی فصیح و مردی با ذوق و خالی از تعصّب و شجاع بود و مایل بود از آثار خود، مردم را بهره مند گرداند و از ضبط مطالبی که فایده کمتر داشت، احتراز می جُست و در نقل حدیث در سیر و تواریخ و

۱- نقباء البشر طبقات اعلام الشیعه، از جزء اول تا ص ۹۹۹. برگرفته از: محدث قمی، حدیث اخلاص، صص ۸۲ _ ۸۳.

۲- معارف الرّجال، ج ۱، ص ۴۰۱، برگرفته از: محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۸۳.

۳- ریحانه الادب، ج ۴، محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۸۳.

۴- الغدیر، ج۱، ص۱۵۷، برگرفته از: محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۸۳.

به مضمون «الحِكْمَةُ ضالَّةُ المُؤْمن حَيثُما وَجَدها أَخَذَها؛ حکمت گم شده مومن است هر جا که پیدایش کند دریافت می کند»، سخن حق را از هر کسی می شنید می گرفت و جمود نداشت».(۱)

۱- دمع السجوم فی ترجمه نفس المهموم، مقدمه. بر گرفته از کتاب محدث قمی، حدیث اخلاص، ص ۸۴ .

فصل ششم: برگزیده ادب فارسی

فصل ششم: برگزیده ادب فارسی

در رثای آن عصاره تقوا و فضیلت و علم و فضل، شاعران و ادیبان نجف قصیده های بسیاری سرودند. این مراثی و کلمات، در نزد آقای حاج میرزا محسن محدث زاده فرزند حاج شیخ عباس بوده است. در مجالس ختم او انبوه علما و فضلا و مجتهدین، آیات عظام و بزرگان دیگر و عامه مردم شرکت کردند. همگان در عزای حاج شیخ عباس قمی منقلب بودند و اشک تأثر می ریختند. از این میان، مرحوم شیخ محمد سماوی نجفی از علمای اعلام نجف اشرف که خود اهل تحقیق، تألیف و تصنیف بود، در رثای محدث قمی اشعاری به زبان عربی می سراید که ترجمه بخشی از آن چنین است:

شیخ عباس قمی پسندیده خوی، با شادی و نشاط همنشین استادش محدث نوری شده؛ او کتاب ها تألیف کرد که هر کدام گوهری به هم پیوسته است.

مرحوم شیخ سلمان خاقانی، از فضلای آن روز نجف اشرف نیز قصیده ای به زبان عربی در رثای مرحوم شیخ عباس گفت. هم چنین آیت الله حاج شیخ محمد کرسی، اهل هویزه و از فضلای آن روز حوزه علمیه نجف نیز قصیده ای به زبان عربی در رثای شیخ عباس قمی سروده است. شیخ علی اکبر مروج الاسلام خراسانی، نگارنده کتاب هدیه المحصلین هم در تاریخ فوت آن مرحوم به فارسی گفته است:

چون مروج با دل محزون با طبع

گفته سال رحلتش بنما بیان

سبع پا اندر میان بنهاد و گفت

با مفاتیح الجنان شد در جنان

در قم نیز با این که اوج دوران خفقان رضاخانی بود، مجالس متعـددی برای بزرگداشت روح پرفتوح حاج شـیخ عباس برگزار شد.

این مرثیه فارسی نیز اثر طبع شیخ محمد علی انصاری قمی است که وقتی خبر وفات محدث قمی به قم رسید، سروده است:

جناب حاج شیخ عباس قمی آن رادی

که خاطرش ز احادیث بود چون بستان

نیامده است به نقد حدیث صرافی

بصیر و ناقد و دانا به عصر ما چونان

به سان عیسی کلکش حیات بخش آمد

چو آب خضر مدادش دمیده در تن، جان

به علم بود چو سلمان به حلم چون بوذر ج

و یا به سعی و عمل ثانی اویس یمان

بسان شمس، وجودش به هر کجا نافع

ز فارس و عرب و ترک و هند و هم افغان

بداده کام روان ها ز منتهی الامال

مرا به کف ز مفاتیح وی بود برهان

نفس معطر گردد ز نفثه المصدور

جهان منور ز انوار البهیه آن

سفینه ساخته چون نوح به بحر حدیث

که در بحار نیفتی به ورطه طوفان

برون ز حصر و شعار است جمع و تألیفش

اگر شمارم یک یک شوی ملول از آن

دلش چو تنگ شد از این سراچه فانی

چو جاده به جانب خویشش صدا بزد جانان

بهشت روی زمین است چون نجف ناچار

دفین به روضه حیدر چون آن تن چون جان

به اتفاق علی میر مؤمنان به یقین

رسید نزد پیمبر به روضه رضوان

سرود منطق انصاری از پی تاریخ

مهین محدث اسلام شد مکین به جنان(۱)

(۲۳ ذی الحجه ۱۳۵۹ برابر با ۲ بهمن ۱۳۱۹)

ابیاتی از خود مرحوم حاج شیخ عباس قمی به یادگار مانده است که یادآوری آن نیز شایسته است:

عمر فزون گشته ز پنجاه عام

از روش این فلک سبز فام

عمر فزون گشته ز پنجاه عام

در سر هر سالی از این روزگار

خورده ام افسوس خوشی های پار

باشدم از گردش گردون شگفت

کانچه مرا داد، همه پس گرفت

آب ز رخ، رنگ هم از مو برفت

۱- مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۹۷.

قوّتم از بازو و زانو برفت

عقد ثریای من از هم گسیخت

گوهر دندان، همه یک یک بریخت

آنچه بجا ماند نیابد خلل

بار گناه آمد و طول امل

بانگ رحیل آمد از این کوچ گاه

هم سفران روی نهاده به راه

آه ز بی زادی روز معاد

زاد کم و طول مسافت زیاد

بار گران بر سر دوشم چو کوه [

کوه هم از بار من آمد ستوه

ای کو بر عفو عظیمت گناه

در جلوی سیل بهار است کاه

فضل تو گر دست نگیرد مرا

عصمتت ار باز گذارد مرا

جز به جهنّم نرود راه من

در سقر انداخته بنگاه من

بنده شرمنده نادان منم

غوطه زن لجه عصیان منم

خالق و بخشنده احسان تویی

فرد و نوازنده به غفران تویی(۱)

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۴۵۵.

فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای برنامه ای

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

پیشنهادهای کلی

اشاره

پیشنهادهای کلی

مردان خدا همواره با پیروی از روش و منش اولیای اسلام، از تیرگی های شرك و نادانی و نفاق رهایی یافته و از سرچشمه حیات بخش اولیای الهی، ساحت آن ها بهره مند و کامیاب شده است. شیخ عباس قمی در زمره چنین افرادی بود که تمامی عمر با برکت خود را صرف فراگیری علوم مختلف و تألیف کتاب کرد.

محدث قمی، کانون اخلاق اسلامی بود و همین اخلاق او موجب شده بود که به مرزهای والای اخلاقی و قلّه های بلند فضیلت دست یابد، ولی متاسفانه این شخصیت برجسته هم چنان ناشناخته مانده است. از این رو، شایسته است، برنامه سازان محترم به ابعاد شخصیت شیخ عباس قمی توجه کنند تا با تولید برنامه های مناسب درباره ویژگی های شخصیتی او، انسان ها به سوی اهداف متعالی رهنمون شوند.

۱. نگارش کتاب

یکی از تأثیرگذارترین شیوه هایی که شیخ عباس قمی برای بالا بردن سطح آگاهی های مردم از آن بهره می گرفت، نگارش کتاب بود. وی با نوشتن کتاب می کوشید تا بی نیازی مکتب اسلام و جاودانگی قوانین و احکام آن را برای مردم توضیح

دهـد. از این رو، شایسـته است برنـامه سـازان محترم بـا توجه به این بُعـد شخصـیتی ایشان، با ارایه برنامه های سازنـده، فرهنگ نویسندگی را با هدف

هـدایت مردم و خـدمت به آنـان در جـامعه به ویژه در میـان نسل جوان گسترش دهنـد و از این راه، گامی در راسـتای افزایش آگاهی جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی بردارند.

۲. زهد و ساده زیستی

سـاده زیستی و زهـد، از ویژگی های برجسـته شـیخ عباس قمی بود. این شـیوه از عشق به امامان معصوم و پیروی از سـیره آنان سرچشمه می گیرد. ایشان به سادگی زندگی و سبک بودن حساب آخرت توجه خاصی داشت. زندگی آن مرحوم بسیار ساده بود؛ به گونه ای که از حـد متوسـط زنـدگی آن روز نیز پـایین تر بود. شایسـته است، برنـامه سـازان محترم به جای تبلیغ تجمل گرایی، فرهنگ آزادگی و وارستگی را گسترش دهند.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

شیـخ عبـاس به امر به معروف و نهی از منکر سـخت پـای بنـد بود. در اجرای این دسـتور الهی، خودی و بیگـانه را یکسـان می شمرد و ملاحظه دوستی و رفاقت را نمی کرد. از این رو، شایسـته است، مسـئولین محترم رسانه به این مهم توجه کننـد و افزون بر این که خود مروج منکرات نباشند، با ارایه برنامه های کارشناسی، برخی منکرات جامعه را نیز تشریح و تقبیح کنند.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱. گفت وگو با نوادگان و بازماندگان شیخ عباس برای آشنایی بیشتر با زندگی ایشان.

۲. برگزاری جلسات متعدد با حضور استادان حوزه و دانشگاه برای بررسی کتاب های ارزشمند شیخ عباس قمی.

۳. ارایه برنامه هایی در سالگرد درگذشت آن مرحوم.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. زادگاه شیخ عباس قمی کجاست؟ شهر مقدس قم

۲. چرا به شیخ عباس قمی، محدث قمی لقب داده اند؟ زیرا ایشان بسیار حدیث می دانست.

۳. مهم ترین کتاب شیخ عباس، چه نام دارد؟ مفاتیح الجنان

۴. آرامگاه شیخ عباس کجاست؟ نجف اشرف

۵. منتهی الآمال نوشته کیست؟ محدث قمی

۶ . کتاب مفاتیح الجنان نخستین بار در چه سالی چاپ و منتشر شد؟ ۱۳۰۶ ه . ش

۷. کتاب منازل الآخره از کیست و موضوع آن چیست؟ شیخ عباس قمی و درباره مراحل دشوار سفر آخرت

۸ . کتاب سفینه البحار اثر کیست؟ محدث قمی

۹. محدث قمی بیشتر عمر خود را صرف چه امری کرد؟ نگارش کتاب

۱۰. چند مورد از کتاب های او را نام ببرید؟ مفاتیح الجنان، تتمه المنتهی، سفینه البحار، منازل الآخره و... .

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. درباره محدث قمی چه می دانید؟

۲. مهم ترین کتاب محدث قمی چه نام دارد؟

۳. آرامگاه محدث قمی کجاست؟

۴. کتاب سفینه البحار اثر کیست؟

۵. محدث قمی در کجا به دنیا آمد؟

۶. چقدر با ابعاد شخصیتی او آشنایی دارید؟

۷. چند کتاب از محدث قمی می شناسید؟

۸. چرا از کتاب مفاتیح تا این اندازه استقبال می شود؟

۹. چه درس هایی از زندگی او می توان گرفت؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. درباره ویژگی های اخلاقی شیخ عباس قمی توضیح دهید.

۲. مهم ترین تألیفات شیخ عباس را نام ببرید و هر یک درباره توضیح دهید.

۳. درباره کتاب سفینه البحار توضیح دهید.

۴. نگارش این کتاب چه مدت طول کشید؟

۵. آیا شیخ عباس قمی، فعالیت سیاسی نیز داشته است؟

۶. از فعالیت های فرهنگی شیخ چه می دانید؟

۷. انگیزه شیخ عباس قمی از نوشتن کتاب مفاتیح الجنان چه بود؟

۸. نمونه هایی از همت و تلاش شیخ عباس قمی را بیان کنید؟

۹. منبر وعظ و تبلیغ او چه ویژگی های داشت؟

۱۰. چه انگیزه هایی می تواند در نگارش نقش داشته باشد و حاج شیخ عباس قمی چه انگیزه ای از نگارش کتاب هایش داشت؟

کتاب نامه

۱. ابراهیم زاده، حسن و محمد عابدی، پیکار با منکر، قم، انتشارات معروف، ۱۳۷۵.

۲. جرفادقانی، م، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، قم، انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۶۲.

۳. جزایری (آل غفور)، سید محمد علی، ازهر چمن گلی، انتشارات الامام المنتظر، ۱۳۸۲.

۴. دوانی، علی، حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، تهران، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۶ ه . ق.

۵. دوانی، علی، مفاخر اسلام، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۶. عبدالله زاده، خلیل، محدث قمی، حدیث اخلاص، تهران،انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۷. قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، تهران، ۱۳۶۷.

۸. ، سفینه البحار،

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹